



گزارشی از وضعیت امنیت غذایی کشور

تولید و خوداتکایی محصولات

«سهم منابع داخلی در تأمین نیازهای غذایی مصرفی» یکی از شاخص‌های مهم سنجش کمی عرضه غذای کشور است. این ضریب در محصول مهم گندم در برنامه اول تا ۸۰ درصد ارتقاء و به علت بروز خشکسالی‌ها در برنامه دوم کاهش یافت. در برنامه سوم با روند چشمگیری تا حد خودکفایی ارتقاء یافت. لیکن طی برنامه چهارم و بعد از آن توفیق از دست رفت. خوداتکایی برنج علی‌رغم بهبود در برنامه دوم تا میزان ۶۶ درصد، در برنامه‌های سوم و چهارم کاهش و طی سال‌های اخیر به حدود ۵۷ درصد تنزل یافته است. خوداتکایی شکر به دلیل تغییر سیاست‌های حمایتی و بازرگانی بسیار متغیر بوده است. در اواخر سال‌های برنامه سوم، بیش از ۸۰ درصد نیاز کشور از تولیدات داخلی تأمین می‌شد، لیکن طی برنامه چهارم به طور متوسط تنها ۴۳ درصد نیاز کشور از تولید داخلی تأمین شد. تولید حبوبات تا انتهای برنامه سوم بیش از نیازهای داخلی بود و مقادیر قابل توجهی نیز صادر می‌شد. لیکن از برنامه چهارم به بعد تولیدات داخلی حدود ۸۲ درصد نیاز کشور را تأمین می‌کند.

در صفحات ۵۴و



نظر فیزیکی و اقتصادی تمام مردم به غذای کافی، سالم و مغذی در تمام اوقات به منظور داشتن زندگی سالم و فعال می‌باشد. بنابراین در تحقق آن، تمامی بخش‌ها و نهادهای کشور که به نحوی با مفاهیم مذکور مرتبط هستند سهم می‌باشند. بخش کشاورزی با افزایش کمیت و بهبود کیفیت تولید مواد غذایی، در تحقق امنیت غذایی نقش اساسی دارد، لذا عملکرد بخش کشاورزی در تأمین و عرضه غذا طی برنامه‌های اجرا شده (اول تا چهارم توسعه) و از دید مصرف مواد غذایی طی چهار سال اخیر (۹۰-۱۳۸۷) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

خودکفایی در تولید و مصرف مواد غذایی در همه کشورها یک اقدام و خواست اساسی است. کشورهای گوناگون با گرایش‌های سیاسی مختلف می‌دانند که باید درجه‌ای از امنیت غذایی را برای خود تدارک ببینند تا در روزهای سخت با گرفتاری مواجه نشوند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. توجه به امنیت غذایی به دلیل گره خوردن آن با منافع ملی در همه دوران در دستور کار بوده است. گزارش حاضر نگاهی به درجه امنیت غذایی ایران در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ است که توسط یک نهاد پژوهشی تهیه شده دارد که می‌خوانید: امنیت غذایی به معنی «اطمینان به دسترسی از

امید به همکاری و بهبود شرایط

بهمن دانایی

نهاد دولت پدیده‌ای مدرن و جدید است که به‌ویژه در چندسده اخیر تأسیس شده است. اما جامعه ایرانی به دلایل تاریخی در تأسیس دولت مدرن تأخیر داشته است. شاید دولت‌های پس از ۱۳۰۴ در ایران را بتوان منطبق با دولت مدرن تلقی کرد. دقت در شکل و ماهیت دولت‌ها در ایران به‌ویژه پس از مشروطه تا ۱۳۱۰ و پس از آن از ۱۳۲۰ تا نیمه اول دهه ۱۳۴۰ نشان‌دهنده پرشمار بودن دولت‌ها و عمر کوتاه آن‌هاست. پس از مشروطه تا زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی حدود ۸۰ دولت در ایران پدیدار و در دوره‌هایی فعالیت کرده و عمرشان به‌انتها رسیده است. درحالی‌که عمر دولت‌ها در ایران کوتاه بوده است اما نهادهایی مثل بنگاه‌ها و برخی رشته‌های صنعتی عمری طولانی‌تر دارند و با آمدن و رفتن دولت‌ها برخی تحولات را تجربه کرده اما به‌رحال بوده و هستند. صنعت قند ایران عمری نزدیک به ۱۲ دهه دارد و فعالان این صنعت شاهد فراز و فرودهای قابل‌اعتنا در تاریخ ۱۲۰ ساله بوده و هستند. قدمت و اهمیت صنعت قند از یک طرف و وجود کارشناسان و فعالان ورزیده و با سابقه موجب شده است که سندیکای صنعت قندوشکر در نیم‌قرن پیش شروع به کار کند و تا امروز بدون توقف به وظایف کارشناسی و صنفی خود عمل کند. اعضای این سندیکای دیروز و انجمن صنفی امروز در ۳۴ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی فراز و فرودهای حیرت‌انگیزی را در اداره صنعت قند تجربه کرده‌اند. روزها و سال‌هایی بوده است که این صنعت یکسره در اختیار دولت قرار گرفته و دستگاه‌های دولتی همه امور مربوط به توزیع و قیمت‌گذاری را برعهده داشتند و انحصار کامل دولت برقرار بود. در سال‌های اجرای قانون برنامه سوم توسعه و آزادسازی نسبی فعالیت‌های مرتبط با قندوشکر، تجربه تازه‌ای بود که تا دولت نهم به سمت بهبود مناسبات پیش می‌رفت، اما در ۸ سال گذشته دولت نهم و دهم با اتخاذ سیاست‌های عجیب و پرنوسان، تجربه تلخی را بر صنعت قندوشکر ایران تحمیل کرده و کاری کردند که صنعت قدیمی قندوشکر تا آستانه مرگ و فروپاشی پیش رفت و در همین حال معاون یکی از وزارتخانه‌ها با بی‌تفاوتی محض حتی بلاشکال بودن تعطیلی این صنعت را نیز در گفت‌وگوی مطبوعاتی اعلام کرد، اما پامردی فعالان صنعت قندوشکر راه را برای بقا باز گذاشت. چه اینکه متخصصان این صنعت و کارشناسان خیره اقتصادی برخلاف این معاون سیاسی، بر این باورند که کشور در تولید این محصول باید درجه‌ای از امنیت غذایی را برای خود تدارک ببیند تا در روزهای سخت همچون یکساله اخیر با گرفتاری مواجه نگردد. اکنون فعالان این صنعت در آستانه شروع دولت یازدهم امیدوارند سیاست‌های تولیدمحور تازه‌ای در راه باشد تا زندگی با رونق بیشتری را به‌دست آورند.

در صفحه ۳

برآورد مازاد جهانی شکر کاهش یافت



زراعی ۲۰۱۳-۲۰۱۴ تولید خواهد کرد که کمتر از برآورد قبلی ۴/۶۵ میلیون تن است. کشاورزان در اوکراین نیز به دلیل قیمت‌های پایین‌تر چغندر به کاشت محصولات دیگر روی آورده‌اند در نتیجه وسعت منطقه کشت چغندر کمتر شده است. کینگزمن تولید این کشور را ۱/۲۴ میلیون تن برآورد کرده که ۴۲۰ هزار تن کمتر از پیش‌بینی قبلی این شرکت است. براساس گزارش بلومبرگ، قیمت شکر از ابتدای سال ۲۰۱۳ تاکنون ۱۳ درصد کاهش داشته و به سمت سومین کاهش سالانه در معاملات نیویورک پیش می‌رود که طولانی‌ترین کاهش از سال ۱۹۹۲ است.

کینگزمن به دلیل کمتر شدن محصول استرالیا و اوکراین، پیش‌بینی کرد: مازاد جهانی شکر ۴ درصد کمتر از برآورد قبلی این شرکت خواهد بود. براساس جدیدترین پیش‌بینی کینگزمن، عرضه شکر در سال آینده ۴/۷ میلیون تن بالاتر از تقاضا خواهد بود. این شرکت در گزارش خود در ماه مه، مازاد شکر را ۴/۹ میلیون تن پیش‌بینی کرده بود. استرالیا که سومین صادرکننده بزرگ شکر جهان به شمار می‌رود به دلیل بارندگی سنگین و آفتی که به محصول شمال کویینزلند حمله کرده، محصول کمتری برداشت خواهد کرد و احتمالاً ۴/۱ میلیون تن شکر در فصل

در صفحات دیگر

دور زدن قانون



بی‌ثباتی مشکل اصلی اقتصاد است



۵ میلیارد دلار واردات شکر در ۸ سال



کاهش ۲۴ درصدی واردات کالاهای اساسی طی بهار ۹۲



سرگردانی ۲۶ کشتی خوراک طیور روی آب





تشکل های صنعتی تأکید کردند

بی ثباتی مشکل اصلی اقتصاد است

مشکلات بنگاه های صنعتی و اقتصادی ایران در چند سال اخیر عمومی شده و چند مسئله حل نشده را شامل می شود. مرکز پژوهش های مجلس چند سالی است که با ارسال پرسش نامه به تشکل های اقتصادی فعال در حوزه های گوناگون از آن ها می خواهد با دسته بندی مشکلات فعالیت خود به ترسیم وضعیت عمومی کمک کنند. تازه ترین گزارش ارائه شده نشان می دهد که صدها تشکل اقتصادی موجود به چند موضوع به عنوان بالاترین مشکلات اشاره کرده اند که نتایج آن را در زیر می خوانید:

بی ثباتی و نا اطمینانی

ارزیابی تشکل های اقتصادی مشارکت کننده در این مطالعه نشان می دهد آن ها مجموعاً مؤلفه های مربوط به بی ثباتی در اقتصاد در پاییز ۱۳۹۱ را نامساعدتر ارزیابی کرده اند. در همه مؤلفه هایی که بدتر ارزیابی شده اند، ویژگی «بی ثباتی و نا اطمینانی» وجود دارد از بی ثباتی قیمت مواد اولیه گرفته تا پدیده تحریم (با ضربه های نامعلوم و در حال افزایشی که وارد می کند) و نیز بی ثباتی قوانین و مقررات و همچنین دخالت های غیر قابل پیش بینی و صلاح دیدی نهادهای حکومتی در امر قیمت گذاری محصولات بنگاه ها و پدیده فساد مالی که مشخص نمی کند چقدر هزینه بر هر بنگاه تحمیل خواهد کرد. جملگی محیطی پرابهام و نامشخص برای فعالیت بنگاه ها ایجاد کرده است.

اثر تورم بالا و ثبات نرخ سود بانکی

وضعیت تورم بالای ۳۰ درصد در پاییز ۱۳۹۱ و افزایش بی رویه قیمت کالاها که در مورد برخی کالاها و مواد اولیه خاص تا ۲۰۰ درصد هم رسیده، باعث شده تشکل های اقتصادی مشارکت کننده در این مطالعه، مؤلفه «بی ثباتی در قیمت مواد اولیه» را مشابه تابستان ۱۳۹۱ بالاترین عامل در اداره بنگاه ها در پاییز ۱۳۹۱ ارزیابی کنند. تشدید تورم در کنار تثبیت نرخ سود بانکی باعث گسترش فاصله بین نرخ تورم و نرخ اسمی سود بانکی شده و نرخ واقعی سود بانکی را منفی ساخته و در نتیجه دریافت تسهیلات از بانک ها را برای بنگاه ها سودآورتر کرده است. با عرضه نسبتاً ثابت تسهیلات بانکی و یا کاهش قدرت اعتباردهی بانک ها، رقابت بنگاه ها برای دریافت این تسهیلات بیشتر و تنگ تر شده است و به همین علت در این مطالعه طی فصول مختلف، «مشکل دریافت تسهیلات از بانک ها» همچنان یکی از بدترین مؤلفه ها در اداره بنگاه ها ارزیابی شده است.

نتایج عادت به تسهیلات ارزان

در طول سال های گذشته به ویژه در سال هایی که درآمدهای نفتی به وفور وجود داشت، بنگاه های ایرانی به دریافت تسهیلات اعتباری ارزاقیمت و یارانه ای عادت داده شده اند. این مسئله باعث شده در دوره هایی نظیر فصول اخیر که به دلایل مختلف توان نظام بانکی برای تأمین مالی تولید کاهش یافته، تشکل های اقتصادی و بنگاه های کشور یکی از مشکلات اصلی خود را عدم تأمین منابع مالی ذکر کنند. این موضوع در شرایط جالب می شود که به یاد بیاوریم گاهی مدیران بنگاه ها منابع ارزاقیمت دریافتی از نظام بانکی را به جای اجرای طرح تعهد داده شده در قراردادشان با بانک، صرف فعالیت های کم ریسک تر و پرسودتر نظیر واردات، سوداگری مسکن و سفته بازی طلا و ارز کرده اند.

کاهش اهمیت نسبی مؤلفه های تأمین اجتماعی و تعطیلات

نتایج گزارش پایش محیط کسب و کار ایران در پاییز ۱۳۹۱ نشان می دهد مؤلفه هایی «چون نرخ بالای تأمین اجتماعی» و «یاد بودن تعطیلات رسمی» اولویت خود را به عنوان مشکل از دست داده اند که این موضوع قابل توجه، می تواند به دلیل حاد شدن وضعیت سایر مؤلفه ها نظیر بی ثباتی اقتصادی یا تأمین مالی باشد.

سازگاری نسبی تشکل ها و بنگاه ها با تحریم های بین المللی

با وجود تشدید تحریم های بین المللی در ماه های منتهی به پاییز ۱۳۹۱، به نظر می رسد که بنگاه های کشور توانسته اند تا حدودی خود را با شرایط جدید وفق دهند و در نتیجه ارزیابی تشکل ها از این مؤلفه، در طی چهار فصل گذشته از رتبه سوم بدتر نشده است. شاید این مسئله مطرح شود که با اینکه مؤلفه تحریم در رتبه سوم ثابت باقی مانده است، ولی اثر خود را

در بدتر شدن وضعیت مؤلفه بی ثباتی قیمت ها نشان داده است و به بیان دیگر اثر مخرب تحریم عامل اصلی بی ثباتی قیمت ها بوده است. ولی این تحلیل با نگاهی به نتایج پاسخ سؤال ویژه پاییز ۱۳۹۱ درست به نظر نمی رسد زیرا ۶۸ درصد تشکل های اقتصادی در پاسخ به سؤال عامل اصلی بی ثباتی اخیر قیمت ها، «سوء مدیریت داخلی» را عامل اصلی بی ثباتی قیمت ها دانسته اند.

تحلیل نتایج پایش محیط کسب و کار به تفکیک بخش های اقتصادی

درباره تفاوت ارزیابی مؤلفه های محیط کسب و کار توسط تشکل های اقتصادی به تفکیک سه بخش خدمات، صنعت و کشاورزی در فصول پاییز ۱۳۸۹ تا پاییز ۱۳۹۱ می توان گفت که در اکثر مؤلفه ها تفاوت بین بخش ها قابل توجه نمی باشد. برای مثال در پاییز ۱۳۹۱ که بی ثباتی در قیمت مواد اولیه به عنوان یکی از مخرب ترین عوامل بر محیط کسب و کار شناخته می شود، این وضعیت در سه بخش اقتصادی خدمات، صنعت و کشاورزی به ترتیب با نمره های ۸/۳۰، ۸/۰۹ و ۸/۰۹ دیده می شود. همچنین در خصوص مشکل دریافت تسهیلات از بانک ها در سه بخش ذکر شده به ترتیب با نمره های ۷/۶۰، ۷/۹۶ و ۷/۹۶ این وضعیت مشابه است. البته در خصوص بعضی از مؤلفه ها مثل اعمال تحریم های بین المللی علیه کشورمان به نظر می رسد از نظر تشکل های مشارکت کننده در این مطالعه این مشکل بیشترین آسیب را به بخش صنعت و کمترین آسیب را به بخش کشاورزی زده است به طوری که بخش های خدمات، صنعت و کشاورزی به ترتیب با نمره های ۷/۱۰، ۷/۲۴، ۶/۴۸ گویای این واقعیت می باشند. به هر حال به جز استثنائات یا مواردی خاص مربوط به یک بخش نظیر «بی تعهدی شرکت ها و مؤسسات دولتی به پرداخت به موقع بدهی خود به پیمانکاران» و «تولید کالاها غیر استاندارد تقلبی و عرضه نسبتاً بدون محدودیت آن به بازار» که در بخش کشاورزی به طور جدی مشکل آفرین نیست و یا «عرضه کالاها خارجی قاچاق در بازار داخلی» که مشکل بخش خدمات است و نه بخش کشاورزی و در مقابل «ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف کننده» و «قیمت گذاری غیرمنطقی محصولات تولیدی توسط دولت و نهادهای حکومتی» که اهمیت بیشتری برای بخش کشاورزی دارد، در مابقی مؤلفه ها ارزیابی تشکل های مشارکت کننده در این مطالعه از مؤلفه های محیط کسب و کار در بخش های سه گانه اقتصادی تقریباً مشابه است.

الگوی غذایی یکسان می شود

رژیم غذایی دنیا در ۱۵ سال آینده

در جهت الگوی تغذیه ایالات متحده بیشتر شده، هر چند این روند در برخی موارد آهسته بوده (به ویژه در کشورهایی که در انزوای جغرافیایی یا سیاسی هستند) اما به نظر می رسد به دلیل عوامل فرهنگی همگرایی در الگوی مصرف حداقل در افق زمانی قابل پیش بینی از ۲۰۳۰ تا ۲۰۶۰ درصد فراتر نخواهد رفت. تغییرات فوق در رژیم غذایی بر تقاضای جهانی محصولات کشاورزی تأثیر می گذارد، برای مثال، مصرف سرانه گوشت در کشورهای در حال توسعه از سالانه ۱۰ کیلوگرم در دوره سال های ۱۹۶۴-۶۶ به ۲۶ کیلوگرم در ۹۹-۱۹۹۷ افزایش یافته است. پیش بینی می شود این رقم در سال ۲۰۳۰ به ۳۷ کیلوگرم برسد. مصرف سرانه شیر و فرآورده های لبنی نیز رشد سریعی داشته و از سالانه ۲۸ کیلوگرم در دوره ۶۶-۱۹۶۴ به ۴۵ کیلوگرم در حال حاضر رسیده و در سال ۲۰۳۰ به ۶۶ کیلوگرم افزایش خواهد یافت. افزایش مصرف شکر، روغن های خوراکی نیز قابل پیش بینی است. اما متوسط مصرف خوراکی غله، حبوبات و محصولات ریشه ای و غده ای کاهش خواهد یافت.

میان نقش دارد (مثلاً نان آماده یا پیتزا در مقایسه با محصولات ریشه ای) تحول در رژیم غذایی از افزایش درآمد پیروی می کند و تقریباً در هر منطقه ای صرف نظر از ویژگی جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی نیز روی می دهد عوامل فرهنگی و مذهبی تفاوت هایی را در کشورهای دارای سطح درآمد مشابه ایجاد می کند.

غذای آمریکایی ها

بر اساس مطالعه فائو رژیم غذایی در میان کشورهای پردرآمد سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (OECD) بسیار همگرا است. الگوی مصرف در این کشورها در حدود ۷۵ درصد با الگوی مصرف در ایالات متحده مشابه است، یعنی ۷۵ درصد محصولات غذایی فرآوری شده از مواد خام کم و بیش یکسان تهیه می شود. حتی ژاپن نیز هر ساله به الگوی مصرف OECD نزدیک تر شده و شباهت الگوی مصرف ژاپن با این کشورها از ۴۵ درصد در سال ۱۹۶۱ به ۷۰ درصد در سال ۱۹۹۹ رسیده است. در سایر کشورهای در حال توسعه نیز همگرایی

مطالعه سازمان خواربار جهانی (فائو) رژیم غذایی مردم دنیا را در ۱۵ سال آینده تشریح و بیان می کند که این رژیم تا ۸۰ درصد به رژیم غذایی مردم آمریکا نزدیک خواهد بود. بر اساس مطالعات سازمان بین المللی خواربار جهانی، در فاصله سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ همراه با افزایش متوسط مصرف کالری در جهان، رژیم غذایی نیز متحول می شود از جمله، الگوی مصرف غذا در جهان یکسان تر می شود و مصرف مواد غذایی با کیفیت بالاتر و گران تر (مانند گوشت و فرآورده های لبنی) گسترش پیدا می کند.

غذاهای آماده

بر اساس مطالعه فائو، تغییر رژیم غذایی مردم بخشی به دلیل ترجیحات مردم است و بخشی دیگر به عواملی مانند افزایش تجارت بین المللی مواد غذایی، گسترش جهانی فروشگاه های عرضه غذاهای آماده و گسترش عادت های غذایی مردم آمریکای شمالی و اروپا نسبت به سایر مناطق جهان مربوط می شود. سهولت تهیه و پخت نیز در این

یادداشت

دور زدن قانون

قوه مجریه در همه جامعه ها از جمله جامعه ایران اختیارات گسترده ای دارد و بخش قابل توجه امکانات و منابع مادی را می تواند بر اساس قانون هزینه کرده و یا درآمدهایی برای خود تدارک ببیند. اما این اختیارات گسترده و امکانات فوق العاده به لحاظ تئوریک و عملی، راه سرپیچی و عدول از موقعیت های عرفی برای دولت را هموار می کند. به همین دلیل است که جامعه های بشری به این نتیجه عملی رسیدند که با تأسیس نهاد قانون گذاری با دو وظیفه تقنین و نظارت بر اجرای قانون، مانع از عدول دولت شوند. در ایران نیز از سال ۱۲۸۶ به این طرف همواره مجلس قانون گذاری البته با ضعف و شدت ناظر بر فعالیت های دولت بوده و هر جا مصلحت دیده است با ارائه طرح از طرف نمایندگان اقدام به قانون گذاری کرده است.

مجلس شورای اسلامی نیز در سال های گذشته و پس از اینکه دولت دهم در عدول از قانون اصرار ورزید و بادرهم آمیزی عمده وظایف وزارت بازرگانی و جهاد کشاورزی، شرایط را به نفع واردات تغییر داد، مجلس با تصویب قانون بهره وری کشاورزی تلاش کرد مانع از واردات بی رویه و آسیب رسان مواد غذایی و محصولات کشاورزی شود. اما دولت دهم پس از اینکه مدتی این قانون را نادیده گرفت در اقدامی بدیع و با دستور نهادهای تازه تأسیس به نام «ستاد تدابیر ویژه اقتصادی» اختیارات ماده ۱۶ قانون افزایش بهره وری را از وزارت جهاد کشاورزی سلب و به وزارت صنعت، معدن و تجارت داده است. این اقدام بدیع از طرف دولت با استناد به دستور یک ستاد تازه تأسیس نقض قانون به حساب نمی آید؟

آیا قانونگذاران از این امر اطلاع دارند و برای جلوگیری از اصرار دولت به دور زدن قانون اقدامی کرده اند؟

چرا اصرار داریم قانونی بنویسیم که دولت آن را اجرا نمی کند و ما نیز کاری نمی کنیم. آیا این اقدام دولت بازی کردن با قانون و مقررات نیست؟

مجلس محترم می تواند با استناد به قانون مصوبه خود اطلاع رسانی کرده و اجازه ندهد کارهای خارج از قانون گسترش یابد.

۵ میلیارد دلار واردات شکر در ۸ سال

* یک درصد از ارزش کل واردات سال‌های اخیر به واردات شکر اختصاص دارد

خبر و نظر

واردات شکر و وابستگی دامداری به واردات

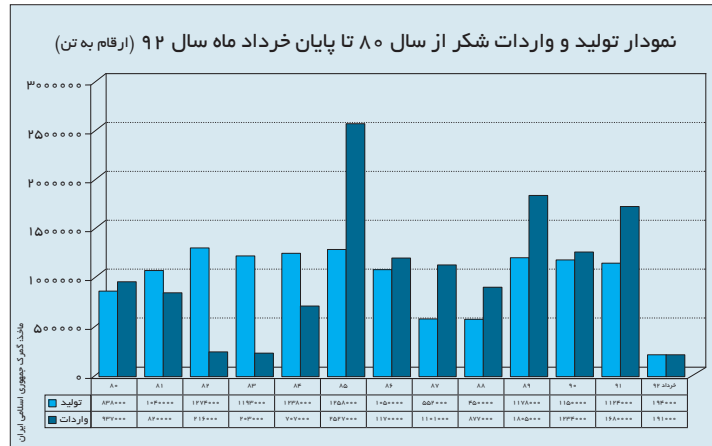
* خبر: محمدرضا محمدخانی

معاون امور زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس در گفت‌وگوی مشروحی که با خبرگزاری فارس انجام داد، به مسایل قابل‌اعتنایی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت اشاره کرد که خواندن آن برای علاقه‌مندان مفید خواهد بود.

وی در بخشی از این گفت‌وگو با صراحت از مقرون به صرفه بودن تولید غذا در کشور در صورت حمایت دولت سخن گفته و می‌گوید، اگر تنها یک درصد میزان حمایتی که خودروسازان از آن استفاده کردند را به صنعت غذا اختصاص می‌دادیم تولید غذا در کشور ممکن بود.

این کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس به موضوعی بسیار بااهمیت اشاره کرده و می‌گوید: سال ۱۳۸۵ تولید شکر در ایران به ۱/۳ میلیون تن رسید، اما ناگهان ۲/۵ میلیون تن شکر وارد کشور شد، در حالی که مصرف کشور ۲/۱ میلیون تن است، می‌گفتند چرا مردم باید شکر ۶۰۰ تومانی بخورند اما شکر ۴۰۰ تومانی وارد نشود، آن‌ها انتهای ماجرا را ندیدند. در آن سال کارخانه‌های قندسازی، چغندر قند کشاورزان را نخریدند، چون شکر روی دست آن‌ها مانده بود، سال بعد کشاورزان چغندر نکاشتند و بخش بزرگی از خوراکی که برای دام‌های کشور از ملاس چغندر و نیشکر به دست می‌آمد از دست رفت. تولید ملاس ۹۶۰ هزار تن بود که به ۲۰۰ هزار تن کاهش یافت....»

* نظر: ضمن تأیید دیدگاه آقای محمدخانی درباره این‌که دستوردهندگان به کاهش تعرفه واردات شکر «انتهای کار» را ندیدند و موجب عدم تعادل در زمینه خوراک دام شدند، اگر به رویدادهای بعد از سال ۱۳۸۵ نگاه کنیم و یادمان باشد که اعضای انجمن صنفی کارخانه‌های قند و شکر بارها و بارها توضیح دادند که واردات غیرمتعارف و رانت‌ساز قند و شکر برای تولید داخل سم مهلک است اما مسؤولان متأسفانه توجه نکردند، شاید کمی بر ابعاد بدبینی بیفزایند.



دهند. آیا دیده‌اید جایی را که مسؤولان آن واردات شکر را هموار کنند تا بیماری‌های ناشی از رشد مصرف شکر تشدید شود و آنگاه ارزش کافی برای واردات دارو وجود نداشته باشد. این روزها که کمبود داروهای مورد نیاز بیماران خاص خودنمایی می‌کند و تلویزیون ایران نیز چهره اندوهگین بیماران را به تصویر می‌کشد، مسؤولان مرتبط با افزایش واردات شکر از خود نمی‌پرسند که این چه اقدامی بود ما انجام دادیم؟ آیا اختصاص یک درصد از کل واردات سال‌های اخیر به شکر، این پرسش را ایجاد نمی‌کند که چرا ۹۹ درصد ارزش واردات به هزاران کالا اختصاص یافته است و یک درصد کل واردات را شکر تشکیل می‌دهد؟ آیا شکر مورد نیاز را نمی‌شد در داخل تولید کرد؟

پس از پرسیدن انبارهای واردات و انتقاد و اعتراض تولیدکنندگان و دلسوزان و نمایندگان مجلس به سیل واردات شکر بود که واردات تا حدی کاهش یافت. اما نکته این است که تولید شکر نیز در داخل همراه با افزایش واردات کاهش یافت و به ۵۰۰ هزار تن رسید. اما در این سال‌ها به دلیل کمبود عرضه شکر داخل، واردکنندگان سودهای بالا به دست آوردند. در حالی که واردات در سال‌های ۸۶ تا ۸۸ کاهش یافته بود اما با تولید بیشتر شکر در داخل بار دیگر واردات افزایش یافت. ارزش واردات شکر در سال ۱۳۹۰ به ۷۵۵ میلیون دلار و در سال ۱۳۹۱ به بیش از یک میلیارد دلار رسید. مسؤولانی را دیده‌اید که شرایط را برای کاهش قدرت تولید داخلی فراهم و همزمان قدرت واردکنندگان را افزایش

مسؤولان کار نابلد و فاقد تجربه و دانش اگر بر فعالیت‌های غیرکارشناسی خود اصرار کنند و از آمار و اطلاعات نادرست در تحلیل‌های خود استفاده کنند بیشترین آسیب را به هر فعالیتی وارد می‌کنند. واقعیت این است که مسؤولان دولت نهم در شروع کار خود با نگاهی غیرکارشناسی به صنعت قند و شکر جاده‌ای را کشیدند که انتهای آن نامعلوم است که یکی از پیامدهای آن خارج شدن ۵ میلیارد دلار واردات شکر در سال‌های اخیر است. آمارهای در دسترس نشان می‌دهد ارزش واردات شکر از نیمه دوم سال ۱۳۸۴ به این طرف با فراز و فرودهایی مواجه بوده است و از ۱۹۷ میلیون دلار در سال ۱۳۸۴ به بیش از یک میلیارد دلار در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.

جدول ۱: آمار واردات شکر از سال ۱۳۸۰ تا پایان خرداد ماه سال ۱۳۹۲ به تفکیک واردات دولتی و خصوصی

| سال | واردات خصوصی | واردات دولتی | جمع واردات |
|--------------|--------------|--------------|------------|
| ۱۳۸۰ | ۰ | ۹۳۷ | ۹۳۷ |
| ۱۳۸۱ | ۰ | ۸۲۰ | ۸۲۰ |
| ۱۳۸۲ | ۵۶ | ۱۶۰ | ۲۱۶ |
| ۱۳۸۳ | ۴۲ | ۱۶۱ | ۲۰۳ |
| ۱۳۸۴ | ۸۰ | ۶۲۷ | ۷۰۷ |
| ۱۳۸۵ | ۱,۴۸۵ | ۱,۰۴۲ | ۲,۵۲۷ |
| ۱۳۸۶ | ۹۶۲ | ۲۰۸ | ۱,۱۷۰ |
| ۱۳۸۷ | ۱۱۰۱ | ۰ | ۱,۱۰۱ |
| ۱۳۸۸ | ۸۷۷ | ۰ | ۸۷۷ |
| ۱۳۸۹ | ۱۸۰۵ | ۰ | ۱,۸۰۵ |
| ۱۳۹۰ | ۱۲۳۴ | ۰ | ۱,۲۳۴ |
| ۱۳۹۱ | ۱۱۷۵ | ۵۰۵ | ۱,۶۸۰ |
| ۱۳۹۲ (خرداد) | ۸۹ | ۱۰۲ | ۱۹۱ |

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران

جدول ۲: واردات شکر از سال ۸۴ تا پایان خرداد سال ۹۲ به تفکیک شکر خام و سفید (ارقام به هزار تن)

| سال | سفید | بها (دلار) | خام | بها (دلار) | جمع واردات (دلار) |
|------|------|-------------|-------|---------------|-------------------|
| ۱۳۸۴ | ۷۸ | ۲۰,۱۲۴,۰۰۰ | ۶۲۹ | ۱۷۷,۲۵۶,۰۰۰ | ۱۹۷,۳۸۰,۰۰۰ |
| ۱۳۸۵ | ۶۳۷ | ۲۹۱,۲۷۱,۹۱۰ | ۱,۸۹۰ | ۷۲۶,۱۸۲,۵۵۹ | ۱,۰۱۷,۴۵۴,۴۶۹ |
| ۱۳۸۶ | ۳۴۸ | ۱۳۳,۳۰۹,۳۴۴ | ۸۲۲ | ۲۷۴,۴۶۱,۳۶۷ | ۴۰۷,۷۷۰,۷۱۰ |
| ۱۳۸۷ | ۱۰۳ | ۳۷,۲۱۳,۳۳۲ | ۹۹۸ | ۲۸۷,۸۰۰,۰۱۳ | ۳۲۵,۰۱۳,۳۴۵ |
| ۱۳۸۸ | ۲۷ | ۸,۸۱۹,۹۰۶ | ۸۵۰ | ۳۱۵,۸۲۶,۱۱۴ | ۳۲۴,۶۴۶,۰۲۰ |
| ۱۳۸۹ | ۰ | ۰ | ۱۸۰۵ | ۷۰۴,۵۲۰,۴۰۷ | ۷۰۴,۵۲۰,۴۰۷ |
| ۱۳۹۰ | ۶ | ۳,۷۹۹,۵۱۰ | ۱۲۲۸ | ۷۵۲,۱۰۵,۳۳۴ | ۷۵۵,۹۰۴,۸۴۴ |
| ۱۳۹۱ | ۰ | ۰ | ۱۶۸۰ | ۱,۰۷۲,۴۱۳,۶۰۸ | ۱,۰۷۲,۴۱۳,۶۰۸ |
| ۱۳۹۲ | ۰ | ۰ | ۱۹۱ | ۱۰۸,۹۵۴,۷۱۰ | ۱۰۸,۹۵۴,۷۱۰ |
| جمع | ۱۱۹۹ | ۴۹۴,۵۳۸,۰۰۲ | ۱۰۰۹۳ | ۴,۴۱۹,۵۲۰,۱۱۲ | ۴,۹۱۴,۰۵۸,۱۱۳ |

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران

امید به شمولی و پیروی شرایط

از صفحه اول

نصب شده تولید ۲/۲ میلیون تن شکر را دارد که در صورت دستیابی به این رقم، واردات در حداقل قرار گرفته و حتی می‌شود آن را حذف کرد. فعالان صنعت قند و شکر امیدوارند با دولت جدید به تفاهمی براساس درک منافع ملی رسیده و با استفاده از کارآمدی و بهره‌وری، مانع از خروج ارز شوند و به خودکفایی در شکر نزدیک و نزدیک‌تر شوند. دقت در بازار قند و شکر در ۲ سال اخیر که بازار محصولات غذایی با التهاب مواجه بود نشان‌دهنده آرامش قابل توجه بازار قند و شکر است. این تجربه فوق‌العاده گرانبها در اختیار دولت یازدهم قرار می‌گیرد تا با کمک دولت و کارخانه‌ها، تنظیم بازار قند به تعادل کافی و استوار برسد.

شده و بخشی از بیکاران فعلی، از این صنعت به حساب می‌آیند. اعضای انجمن صنفی صنعت قند و شکر امیدوارند بتوانند تجربه و دانش خود در این رشته مهم صنعتی را با تعامل مثبت و بالنده در اختیار دولت جدید قرار دهند. یکی از دلایلی که موجب عدم تعامل میان صنعت قند با دولت‌های نهم و دهم شد عملکرد نامطلوب این دولت‌ها در عمل به قانون‌های مصوب بوده است. در حالی که به‌طور مثال مجلس با تصویب قانون بهره‌وری کشاورزی سعی داشت از تشنگی آرا در تصمیم‌گیری‌ها کاسته و فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی کشاورزی را در یک نهاد قرار دهد متأسفانه این اتفاق نیفتاد. صنعت قند و شکر ایران آمادگی توسعه تولید تا رسیدن به ظرفیت

دولت یازدهم بدون تردید دنبال این است که تولید ملی را شتاب داده و از میزان کم و منفی به رشد‌های بالا برساند، دولت یازدهم حتماً قصد دارد با افزایش نرخ رشد سرمایه‌گذاری نرخ اشتغال را افزایش و از شمار بیکاران بکاهد. در حالی که نرخ بیکاری جوانان ایرانی به ۲۵ درصد رسیده و بخش قابل توجهی از بیکاران را جوانان تحصیلکرده تشکیل می‌دهند، آیا راهی جز رشد سرمایه‌گذاری وجود دارد؟ صنعت قند و شکر ایران که یک خانواده بزرگ از کشاورزان، کارگران، کارکنان بخش حمل و نقل و... را تشکیل می‌دهند در سال‌های اخیر با کاهش تمایل و انگیزه به جای ایجاد اشتغال تازه، حتی با ریزش نیروی انسانی مواجه



گزارشی از وضعیت امنیت غذایی کشور

۱۰/۵ میلیون تن فزونی یافت و متوسط سه سال اخیر ۱۲/۵ میلیون تن بوده است.

مقایسه ارزش ترانز تجاری نیز نشان می‌دهد که کمترین کسری، متعلق به سال‌های ۷۳ و ۸۲ (به میزان ۶۶۸ و ۹۷۶ میلیون دلار) بوده است. کسری ترانز تجاری سالیانه برنامه اول به طور متوسط حدود ۲ میلیارد دلار بود. متوسط برنامه دوم به ۱۸۷۴ میلیون دلار رسید. متوسط کسری تجاری سالیانه برنامه سوم ۱۴۱۵ میلیون دلار شد. متوسط کسری سالیانه برنامه چهارم، ۳ میلیارد دلار شد که از نظر کسری ترانز تجاری بیشترین میزان در مقایسه با سه برنامه قبلی است. میانگین کسری ترانز تجاری سالیانه سال‌های ۹۱-۸۹ نیز به رکورد ۵/۴ میلیارد دلار رسیده است.

بررسی ارزش صادرات محصولات کشاورزی طی ۲۳ سال مذکور حاکی است که صادرات در برنامه اول رونقی نداشته است و تنها در سال آخر و سال ۷۳ مقدار درآمد صادراتی افزایش دارد. طی برنامه دوم نیز این افزایش تا نزدیک به یک میلیارد دلار حفظ شده است. در برنامه سوم صادرات رونق گرفته و مقدار سالیانه آن به حدود ۱/۵ میلیارد دلار در سال پایان برنامه رسید. طی برنامه چهارم و پس از آن ارزش صادرات قابل ملاحظه می‌باشد و به بیش از ۶/۳ میلیارد دلار در سال نیز رسیده است. شاید بتوان برنامه چهارم و سال‌های بعد از آن را از نظر کسب درآمد ارزی ناشی از صادرات محصولات کشاورزی موفق دانست لیکن افزایش نامتعارف واردات نه تنها نتوانسته است کمکی به کاهش ترانز تجاری کند بلکه کسری ترانز تجاری را نیز شدیداً رشد داده است.

ارزیابی امنیت غذایی

در سطح خانوار (۱۳۹۰-۱۳۸۷)

اگرچه طی این مدت عرضه سرانه انرژی و مواد مغذی از دیدگاه کلان کافی بوده، لیکن به دلیل توزیع نامناسب درآمد،

مقادیر واردات کاهش و به ۱۴/۹ و ۱۳ میلیون تن رسید. لیکن طی سال ۹۱ رکورد ۲۲ میلیون تن (حدود ۶۹ درصد بیشتر از سال ۹۰) ثبت شد.

سرانه واردات

طی برنامه اول، سرانه سالیانه واردات از مقدار ۱۹۲ کیلوگرم در سال اول آن به مقدار ۱۲۰ کیلوگرم در سال آخر برنامه و در سال ۷۳ به مقدار ۱۰۱ کیلوگرم رسید. متوسط سرانه واردات برنامه حدود ۱۴۳ کیلوگرم بود.

متوسط سرانه برنامه دوم مقدار حدود ۱۶۱ کیلوگرم بود لیکن طی سال‌های برنامه با نوسانات افزایشی مواجه و مقدار آن در سال آخر برنامه به ۱۹۱ کیلوگرم رسید. در برنامه سوم متوسط سرانه، مقدار ۱۵۷ کیلوگرم بوده است. متوسط سرانه واردات برنامه چهارم بیش از ۱۹۱ کیلوگرم بوده است. طی دو سال ۸۹ و ۹۰ نیز مقادیر سرانه واردات به ترتیب ۱۹۹ و ۱۷۳ کیلوگرم بوده است. واردات سرانه سال ۹۱ به حدود ۲۸۹ کیلوگرم رسیده است و لذا متوسط سه سال اخیر ۲۲۰ کیلوگرم بوده است. به نظر می‌رسد بخشی از افزایش مقدار سرانه واردات، ناشی از سیاست ذخیره‌سازی باشد.

ترانز تجاری

بررسی امنیت غذایی از دیدگاه تجاری یا مبادله بازرگانی محصولات کشاورزی (تامین کسری نیازهای غذایی از طریق منابع حاصل از صادرات محصولات با مزیت نسبی) نیز طی ۲۳ سال گذشته نشان می‌دهد ترانز وزنی تفاوت واردات و صادرات طی مدت مذکور با نوسانات بسیاری مواجه بوده است مقدار متوسط کسری ترانز وزنی برنامه اول ۷/۱ و متوسط برنامه دوم ۸/۴۴ میلیون تن در سال شد. در برنامه سوم به متوسط ۸/۶ میلیون تن رسید. در برنامه چهارم به متوسط

از صفحه اول

ضریب خوداتکایی روغن نباتی بسیار شکننده بوده است و هیچ‌گاه به ۱۵ درصد مصرف کشور نرسیده است. تولیدات دام و طیور ثابت و افزایش یافته لیکن وابستگی آن‌ها به علوفه وارداتی روند صعودی داشته است «اگرچه میانگین برنامه چهارم در گوشت قرمز ۹۳/۳ و شیر و مرغ در حد صدر درصد نیاز بوده است».

عرضه سرانه انرژی غذایی

و نقش تولیدات داخلی در تأمین آن

انرژی حاصل از میزان عرضه تولیدات و واردات محصولات کشاورزی (مصارف داخلی) نشان می‌دهد که حد متوسط عرضه سرانه روزانه انرژی طی دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰، از روند تقریباً افزایشی و متغیر برخوردار بوده و در تمامی سال‌ها بالاتر از ۳۰۰۰ کیلوکالری بوده است.

توصیه بهداشتی کشور این است که باید حدود ۳۱۰۰ کیلوکالری انرژی سرانه تأمین شود تا از مصرف ۲۵۰۰ کیلوکالری (حداقل نیاز فیزیولوژیکی بدن) اطمینان حاصل گردد. لذا عرضه سرانه انرژی در سطح کلی کافی است. «سهم تأمین انرژی مصرفی از تولیدات داخلی» یک شاخص مهم خودکفایی ملی است. طی برنامه اول، درصد خودکفایی انرژی با رشد فزاینده از ۵۳ به حدود ۷۲ درصد رسیده است (متوسط ۶۶/۳ درصد با احتساب سال ۷۳). طی برنامه دوم وابستگی کشور تشدید و تا ۵۴ درصد در سال انتهای برنامه تنزل یافت (متوسط برنامه ۶۲ درصد شده است) و در برنامه سوم با بهبود فزاینده میزان خودکفایی به حدود ۸۲ درصد در سال آخر برنامه بهبود یافت (متوسط برنامه ۶۸/۵ درصد) ولیکن طی سال‌های برنامه چهارم وابستگی کشور تشدید شد و ضریب خودکفایی انرژی تا ۶۲ درصد در سال آخر برنامه چهارم تنزل کرد و در سال‌های ۸۹ و ۹۰ به طور متوسط به ۶۷/۵ درصد رسید.

واردات

«سهم واردات محصول کشاورزی از مصرف کل کشور» به‌عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی موفقیت خودکفایی برنامه‌های بخش کشاورزی مدنظر است. طی سال‌های ۶۸ تا ۷۲ توفیقات برنامه اول در افزایش تولیدات موجب شده تا میزان واردات به طور قابل توجهی کاهش و متوسط آن به حدود ۷/۸ میلیون تن برسد. طی برنامه دوم با بروز خشکسالی سال‌های آخر رشد مورد انتظار برنامه تحقق نیافت و لذا متوسط سالیانه واردات برنامه دوم با احتساب سال ۷۳ به میزان ۹/۲ میلیون تن رسید. برنامه سوم با استمرار خشکسالی سال آخر برنامه دوم و دو سال اول برنامه سوم حجم واردات را افزود. متوسط واردات دو سال اول برنامه سوم افزایش و در سال ۸۰ به ۱۳/۶ میلیون تن رسید. لیکن با افزایش تولیدات داخلی، با روند کاهنده طی سه سال بعد به حدود ۸/۵ میلیون تن کاهش یافت و متوسط واردات این برنامه ۱۰/۳ میلیون تن بود. طی برنامه چهارم و از سال دوم این برنامه مقدار واردات افزایش و تا ۱۸/۴ میلیون تن در سال آخر برنامه رسید. متوسط واردات این برنامه ۱۳/۸ میلیون تن بوده است. طی سال‌های ۸۹ و ۹۰

کاهش ۲۴ درصدی واردات کالاهای

مقایسه میزان واردات کالاهای اساسی که در اولویت اول تخصیص ارز مبادله‌ای قرار دارند طی بهار سال ۹۱ و ۹۲

| گروه کالاهای اولویت یک | بهار سال ۹۲ | | | بهار ۹۱ | | | میزان تغییر | |
|------------------------|-------------|--------------------|------------------|-----------|--------------------|------------------|-------------|-------------|
| | وزن (تن) | ارزش میلیارد تومان | ارزش میلیون دلار | وزن (تن) | ارزش میلیارد تومان | ارزش میلیون دلار | وزن | ارزش تومانی |
| گوشت قرمز | ۱۰،۴۴۰ | ۱۳۶ | ۵۵ | ۱۸،۱۰۱ | ۱۳۰ | ۱۰۶ | -۴۲،۳٪ | ۴۷،۹٪ |
| گوشت مرغ | ۳۵۷ | ۲،۲۳ | ۰،۹۰ | ۲،۵۶۰ | ۷،۴۳ | ۶،۰۶ | -۸۶،۰٪ | -۷۰،۱٪ |
| گوسفند زنده | ۶۱ | ۰،۷۹ | ۰،۳۲ | ۱۶۱ | ۰،۷۵ | ۰،۶۱ | -۶۲،۱٪ | ۶۲،۲٪ |
| جو | ۲۰۰،۴۹۲ | ۱۹۰ | ۷۷ | ۳۵۵،۷۱۵ | ۱۶۲ | ۱۳۲ | -۴۳،۶٪ | ۱۷،۸٪ |
| ذرت | ۶۲۶،۵۹۰ | ۶۲۰ | ۲۵۲ | ۱،۳۲۲،۳۶۷ | ۵۵۱ | ۴۴۹ | -۴۹،۲٪ | ۱۲،۵٪ |
| ذرت سویا | ۱۸،۵۱۲ | ۳۴ | ۱۴ | ۱۹،۷۰۶ | ۱۵ | ۱۲ | -۶،۱٪ | ۱۲۷،۲٪ |
| کنجاله | ۶۹۲،۵۸۳ | ۱،۱۵۴ | ۴۶۸ | ۵۲۴،۰۴۵ | ۳۴۳ | ۲۸۰ | ۲۲،۲٪ | ۲۳۶،۶٪ |
| روغن خام | ۱۲۶،۱۷۷ | ۳۹۶ | ۱۶۱ | ۵۷،۷۵۴ | ۹۶ | ۷۹ | ۱۱۸،۵٪ | ۳۱۱،۹٪ |
| شکر خام | ۱۹۱،۴۳۹ | ۲۶۹ | ۱۰۹ | ۲۴۰،۵۸۶ | ۲۲۰ | ۱۸۰ | -۲۰،۴٪ | ۲۲،۰٪ |
| شیرخشک صنعتی | ۲،۷۰۳ | ۲۵ | ۱۰ | ۶۲۸ | ۲،۸۰ | ۲،۲۸ | ۳۳۰،۶٪ | ۷۸۲،۳٪ |

درحالی که شرایط اقتصادی کشور پیچیده است و دولت برای تنظیم بازار موظف است هر نوع کمبودی را حداقل در زمینه کالاهای اساسی که بخش عمده آنها مواد غذایی است، مدیریت کند، شاهد افزایش شدید قیمت این کالاها در سبد مصرف مردم هستیم.

نگاهی به فهرست ۱۰ کالای اساسی که در اولویت اول دریافت ارز مبادله‌ای قرار دارند و در واقع حساس‌ترین کالاهای وارداتی برای تنظیم بازار مواد غذایی محسوب می‌شوند، نشان می‌دهد که سرجمع واردات ثبت شده این کالاها طی بهار سال ۹۲ معادل ۱/۸ میلیون تن بوده، در حالی که در بهار سال ۹۱ سرجمع واردات این کالاها معادل ۲/۵ میلیون تن به ثبت رسیده است



آمار غیرشفاف ذخایر محصولات کشاورزی چالش وزیر آینده جهادکشاورزی است

* به نظر می‌رسد چون مرجع قانونی برای راستی آزمایی
آمار ارائه شده از سوی وزارت جهاد کشاورزی وجود ندارد
آنها هر آماری که می‌خواهند می‌دهند

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی آمار
غیرشفاف ذخایر محصولات کشاورزی را از چالش‌های وزیر
آینده وزارت جهادکشاورزی عنوان کرد.

عباس پای‌زاده با انتقاد از عدم ارائه آمار یا ارائه آمار
غیرشفاف توسط وزارت جهادکشاورزی خاطر نشان کرد:
میزان ذخایر محصولات کشاورزی براساس جمع واردات
و تولید داخلی منهای مصرف داخلی محاسبه می‌شود. این
در حالی است که ما اطلاعاتی از میزان تولید در داخل و بقیه
اطلاعات نداریم.

وی افزود: در دو سه ساله گذشته وزارت جهادکشاورزی
آمار شفافی ارائه نکرده؛ گاهی آمار ارائه نشده و گاهی هم آمار
ارائه شده نیاز به راستی‌آزمایی دارد. ما به‌عنوان نماینده مجلس
چندین بار این موضوع را به اطلاع وزیر رسانده‌ایم و ایشان هم
قول دادند اما عمل نکردند؛ لذا بسیاری از نمایندگان اطلاعات
لازم را ندارند؛ در حالی که اگر ما یک شبه از برخی مسائل
اطلاع پیدا کنیم و مثلاً ذخایر کمی در مورد برخی محصولات
داشته باشیم هزینه زیادی روی دستمان خواهد گذاشت؛ مثل
سال گذشته که وزارتخانه مربوطه می‌گفت به اندازه کافی برنج
تولید کرده اما بعد از بررسی انبارها معلوم شد چیزی در انبار
نیست. در آن شرایط مردم بی‌برنج ماندند و آن بحران برای
برنج به‌وجود آمد.

نماینده مردم دزفول در مجلس با تأکید بر اینکه وزیر
بعدهی جهادکشاورزی باید در نخستین اقدام آمار وزارت را
راستی‌آزمایی کند، خاطر نشان کرد: در غیراین صورت وزارت
جهادکشاورزی در مدیریت و برنامه‌ریزی دچار مشکل خواهد
شد؛ زیرا داشتن آمار رکن اصلی برنامه‌ریزی برای یک مدیریت
موفق است و اگر ما ندانیم چقدر ظرفیت تولید داریم و چه میزان
تولید کرده‌ایم نمی‌توانیم برای تأمین نیاز برنامه‌ریزی کنیم.

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس با بیان اینکه «مدیران ما
در بخش کشاورزی یا بی‌اطلاع هستند یا اطلاعاتی دارند و آن
را به ما ارائه نمی‌کنند لذا لازم است وزیر بعدی سامانه اطلاعاتی
ترتیب دهد که اطلاعات بخش کشاورزی را به‌روز در اختیار
مدیران بگذارد» معتقد است: متأسفانه وزارت جهادکشاورزی در
حال حاضر در تاریکی گام برمی‌دارد و مدیریت سردرگم و گره
کوری وجود دارد که وزیر بعدی را دچار مشکل خواهد کرد.

پای‌زاده با اشاره به اعلام آمار ۱۱۸ میلیون تنی تولید انواع
محصولات کشاورزی در کشور تصریح کرد: این آمار زیر سؤال
است و به نظر می‌رسد چون مرجع قانونی برای راستی‌آزمایی
آمار ارائه شده از سوی وزارت جهادکشاورزی وجود ندارد
آنها هر آماری که می‌خواهند می‌دهند و با افتخار می‌گویند که
عملکرد رو به رشدی دارند؛ در صورتی که عملکرد مناسبی را
از وزارتخانه شاهد نبوده‌ایم و آماری که ارائه می‌شود برای وزیر
بعدهی دردسر ایجاد می‌کند.

وی یادآور شد: مثلاً اگر پتانسیل کشور تولید ۱۰۰ میلیون
تن محصول کشاورزی باشد در صورتی که وزیر بعدی پس از
یک سال تولید ۱۰۵ میلیون تن را اعلام کند نیاز به تشویق دارد
اما چون آمار قبلی ۱۱۸ میلیون تن بوده خواهند گفت که او
کم‌کاری کرده است. این‌ها مسائلی واقعی است که وزیر آینده
وزارت جهادکشاورزی باید به آن توجه کند.

نماینده مردم دزفول در مجلس تأکید کرد: ما امیدواریم
کسی که در راس وزارتخانه جهادکشاورزی قرار می‌گیرد فرد
باتجربه‌ای باشد، خام کار نکند، به مسائل حاشیه‌ای، کم‌اهمیت،
درگیری‌های گروهی و تسویه حساب‌ها نپردازد بلکه وزیر
عملیاتی باشد. متأسفانه اکنون بسیاری از کارشناسانی که حرفی
برای گفتن داشته‌اند از وزارت جهادکشاورزی حذف شده‌اند
عملاً تصمیم‌گیری‌ها توسط کسانی اتفاق می‌افتد که تجربه
لازم را ندارند.

پای‌زاده در پایان با تأکید بر لزوم ایجاد سامانه اطلاعاتی
برای پایش اطلاعات مربوط به حوزه کشاورزی خاطر نشان کرد:
وزیر آینده کمک کند در حوزه کشاورزی وفاقی ایجاد شود،
به کارشناسان و نظر کارشناسی احترام بگذارد و برنامه درازمدت
۱۰ تا ۱۲ ساله‌ای را طرح‌ریزی کند.

* متوسط مصرف سرانه سالیانه گوشت مرغ بین ۱۸/۴ تا ۲۱/۶
کیلوگرم نوسان داشته و حداقل متوسط مصرف در گروه‌های کم‌درآمد
۱۱/۶ کیلوگرم و حداکثر متوسط مصرف ۲۹ کیلوگرم در گروه‌های
بادرآمد بالا بوده است.

* متوسط مصرف سرانه سالیانه شیر بین ۶۹/۵ تا ۷۷/۲ در
تغییر بوده و حداقل متوسط مصرف در گروه‌های کم‌درآمد ۴۰/۸ و
حداکثر متوسط مصرف ۱۰۴/۴ کیلوگرم در گروه‌های با درآمد بالا
بوده است.

* متوسط مصرف سرانه سالیانه روغن نباتی بین ۱۵/۱ تا ۱۸/۳
کیلوگرم در نوسان بوده و حداقل متوسط مصرف در گروه‌های
کم‌درآمد ۱۲/۳ و حداکثر متوسط مصرف ۲۳/۸ کیلوگرم در گروه‌های
با درآمد بالا بوده است.

* متوسط مصرف سرانه سالیانه قندوشکر بین ۱۹/۴ تا ۲۳/۹
تغییر داشته و حداقل متوسط مصرف در گروه‌های کم‌درآمد ۱۳/۲
و حداکثر متوسط مصرف ۳۶/۴ کیلوگرم در گروه‌های با درآمد بالا
بوده است.

* متوسط مصرف سرانه سالیانه تخم‌مرغ بین ۷/۵ تا ۸/۷ کیلوگرم
در نوسان بوده و حداقل متوسط مصرف در گروه‌های کم‌درآمد ۶/۸
کیلوگرم و حداکثر متوسط مصرف ۱۰/۸ در گروه‌ها با درآمد بالا
بوده است.

* متوسط مصرف سرانه سالیانه حبوبات بین ۵/۸ تا ۶/۲ کیلوگرم
در نوسان بوده و حداقل متوسط مصرف در گروه‌های کم‌درآمد ۳
کیلوگرم و حداکثر متوسط مصرف ۱۱ کیلوگرم در گروه‌های با درآمد
بالا بوده است.

* متوسط مصرف سرانه سالیانه میوه و سبزی بین ۱۹۹/۶ تا ۲۳۴/۵
کیلوگرم در نوسان بوده و حداقل مصرف آن در گروه‌های کم‌درآمد
۱۰۴/۸ و حداکثر متوسط مصرف ۳۴۹/۹ کیلوگرم در گروه‌های با
درآمد بالا بوده است.

ارزیابی میزان انطباق مقادیر عرضه و مصرف طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۷

مقادیر عرضه و انواع مصارف محصولات گوشت مرغ، تخم‌مرغ،
شکر و روغن نباتی طی سال‌های فوق نشان از انطباق آمار رسمی
دارد، به‌عبارت دیگر آمارهای تولیدی این محصولات قابل اتکاء
و اطمینان‌بخش است. این مقادیر در دو محصول برنج و حبوبات
در دو سال اول ۸۷ و ۸۸ تطبیق داشته ولیکن در دو سال ۸۹ و ۹۰
اختلاف معنی‌دار دارند.

مقادیر عرضه و مصرف گندم در سه سال ۸۷، ۸۹ و ۹۰ تطبیق
دارد ولی در سال ۸۸ مغایرت داشته که به‌نظر می‌رسد ناشی از واردات
بیش از نیاز سال فوق باشد.

در محصولات میوه، سبزی و صیفی در کلیه سال‌ها آمار رسمی
عرضه و مصرف تطبیق ندارد که می‌تواند ناشی از اضافه برآورد
آمار مقادیر تولید باشد. در آمار رسمی مقادیر عرضه و مصرف شیر
و گوشت قرمز در کلیه سال‌ها مغایرت قابل توجه دارد و لذا به‌نظر
می‌رسد مقادیر واقعی تولید آن‌ها بسیار کمتر از برآوردهای تولید
اعلام شده می‌باشد.

در این میان برآورد کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای
اسلامی و برآوردهای آماری مرکز آمار ایران میزان تولید این محصولات
را کمتر از آمارهای تولید اعلامی از سوی وزارت جهادکشاورزی نشان
می‌دهد که با مقادیر مصرف همخوانی بهتری دارند.

اقتساری از جامعه با سطوح مختلفی از کمبودهای
تغذیه‌ای مواجه بوده‌اند. به‌طور کلی الگوی غذایی
کشور با مصرف زیاد غلات به‌ویژه نان، مصرف
محدود فرآورده‌های حیوانی (خصوصاً شیر و
لبنیات) و مصرف ناکافی سبزی و میوه همراه بوده
است، به‌نحوی که طی مدت مذکور حدود ۹۰ درصد
انرژی و بیش از ۷۵ درصد پروتئین از منابع گیاهی
تأمین شده است.

در بعد خانوار مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده
امنیت غذایی، توانایی خانوار در تأمین کالاهاست.
بنابراین مشکل تنها عدم‌کفایت عرضه موادغذایی
نیست بلکه وضعیت تغذیه کشور ناشی از الگوی
توزیع درآمد است. بررسی مقادیر انرژی مصرفی
در کلیه گروه‌های درآمدی و در خانوارهای شهری
و روستایی طی سال‌های مذکور کمبودی را نشان
نمی‌دهد. ۳۰ درصد جامعه اندکی کمتر از نیاز، ۲۰
درصد متعادل، ۲۰ درصد کمی بالاتر از حد تعادل
و ۳۰ درصد بسیار بالاتر از حد تعادل انرژی مصرف
کرده‌اند. در مجموع میانگین سرانه انرژی مصرفی در
سطح کشورهای طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۷ به‌ترتیب
۲۹۸۷، ۲۸۲۴، و ۲۸۸۸، و ۲۸۳۰ کیلوکالری در روز
بوده است.

بررسی مقادیر پروتئین مصرفی، طی سال‌های
فوق (۹۰-۱۳۸۷) حاکی است که مقدار سرانه
مصرف در کلیه گروه‌های درآمدی جامعه کافی نبوده
و برای ۷۰ درصد افراد کمتر از حد نیاز بوده است و
این امر نشان‌دهنده کاهش امکان خرید مواد پروتئینی
در اغلب گروه‌های درآمدی جامعه است.

سهم محصولات اساسی غذایی نان، برنج، انواع
گوشت، روغن نباتی، قندوشکر، شیر و تخم‌مرغ،
میوه و سبزی و حبوبات در سبد مصرفی خانوار
طی سال‌های ۸۷ الی ۹۰ نشان می‌دهد بیش از ۳۸
درصد انرژی و بیش از ۴۲ درصد پروتئین مصرفی
جامعه با مصرف مستقیم گندم و فرآورده‌های آن
تأمین شده است. متوسط مصرف سرانه نان (آرد)
در سطح کشور طی چهار سال ۱۳۸۷ لغایت ۱۳۹۰
روبه کاهش بوده و از مقدار ۱۲۲ به ۱۰۶ کیلوگرم
رسیده است. این کاهش ناشی از افزایش قیمت و
کاهش دورریز نان است.

* متوسط مصرف سرانه سالیانه برنج در سطح
کشور و طی سال‌های فوق بین ۳۱/۷ تا ۳۳/۴
کیلوگرم در نوسان بوده و طی این سال‌ها حداقل
متوسط مصرف در گروه‌های کم‌درآمد ۱۰/۲
کیلوگرم و حداکثر متوسط مصرف ۶۰/۹ کیلوگرم
در گروه‌های با درآمد بالا بوده است.

* متوسط مصرف سرانه سالیانه گوشت قرمز
طی سال‌های مذکور بین ۸/۳ تا ۹/۲ کیلوگرم در
نوسان بوده و حداقل متوسط مصرف در گروه‌های
کم‌درآمد ۳ و حداکثر متوسط مصرف ۱۵/۱ کیلوگرم
در گروه‌های با درآمد بالا بوده است.

اساسی طی بهار ۹۲

و به این ترتیب می‌توان گفت در بهار
سال‌جاری شاهد کاهش حدود ۲۴
درصدی واردات این کالاها به کشور
بوده‌ایم. این درحالی است که تغییر
قابل توجهی در وضعیت سبد مصرف
خانوار طی یک سال اتفاق نمی‌افتد و
میزان ذخایر این کالاها نیز در کشور
به‌گونه‌ای نیست که توجه‌کننده این
کاهش‌ها باشد.

آمارها نشان می‌دهد در حالی
که واردات گوشت به کشور به‌شدت
کاهش داشته است، میزان واردات جو،
ذرت و دانه سویا نیز سیر نزولی داشته
و این مسئله مانند آنچه در بهار سال
گذشته اتفاق افتاد می‌تواند به افزایش

هرچه بیشتر به افت تولید و عرضه و
افزایش قیمت انواع گوشت در بازار
داخلی منجر شود. البته قابل‌ذکر است
آمارهای مربوط به واردات دام زنده
معمولاً توسط سازمان دام پزشکی به
ثبت می‌رسد و آنچه در گمرک به ثبت
می‌رسد نمی‌تواند ملاک دقیقی برای
نشان دادن میزان واردات گوسفند زنده
به کشور باشد ولی فارغ از این یک
مورد آمار مربوط به کالاهای نه‌گانه
دیگر نشان از کاهش قابل توجهی
در سر جمع واردات این کالاهای
استراتژیک دارد.
همچنین در این میان شاهد افزایش
شدید واردات کنجاله، روغن خام و
شیر خشک صنعتی به کشور هستیم

که البته این کالاها در سرجمع کالاهای
اولویت اول سهم ناچیزی دارند.
به هر شکل کاهش واردات این
کالاهای اساسی که می‌تواند ناشی
از عدم تخصیص مناسب ارز باشد
می‌تواند به افزایش قیمت‌ها بعد از
ماه مبارک رمضان شود زیرا در این
ماه معمولاً عرضه ذخایر استراتژیک
جهت تنظیم بازار با سرعت بیشتری
صورت می‌گیرد، البته نباید فراموش
کرد که دولت دهم در روزهای پایانی
ماه مبارک رمضان سکان اداره بازار را
به دولت یازدهم می‌سپرد و این مسئله
می‌تواند به چالشی جدی برای دولت
یازدهم آن‌هم در نخستین روزهای آغاز
به‌کارش تبدیل شود.



بررسی پدیده دلالی در ایران

دلال کیست، دلالی چیست؟

DALLAL کیست و چه می‌کند؟

در فرهنگ معین زیر لغت دلال آمده است: «میانجی بین بایع و مشتری، کسی که با دریافت حق معینی، واسطه بین خریدار و فروشنده می‌شود».

یعنی دلال در لغت به معنی میانجی بین مشتری و فروشنده است و در تعریف دیگر در حقوق تجارت، «کسی است که در قبال دریافت اجرت، واسطه انجام معامله‌ای شده و یا برای کسی که می‌خواهد کالایی بفروشد مشتری پیدا می‌کند، همه اقسام دلالی، تجارت محسوب می‌شود.» اما اگر این شغل یکی از انواع تجارت است چرا بدنامی دارد، چرا سودجو و ثروت اندوز بی‌رحمت در حد راهزنان قرار می‌گیرد؟ در تجارت سنتی، فروشنده با انواع ترفندها مشتری را تشویق به خرید می‌کند، در تجارت مدرن به کمک رسانه‌ها، همین شیوه در مفهوم رایج است، دلال واسطه‌ای است در معاملات کلان، او نیز می‌کوشد برای خریدار کالای مناسبی بیابد و برای فروشنده مشتری مورد نظر، او واسطه است بین خریدار و مشتری، از همان ترفندهایی بهره می‌گیرد که هر فروشنده و هر خریداری اعمال می‌کند.

هم خریدار شاکلی، هم فروشنده

در گذشته‌هایی که چندان دور که کشاورزان ما بیش از حد دست به دهان بودند و به پول نیاز داشتند رویه سوی دلال می‌بردند، دلال کسی بود که می‌توانست برای یک باغ پرتقال، سیب یا هلو مشتری بیابد، در آن روزگار که فروش سردرختی به صورت چشم نواز صورت می‌گرفت و فروش کالاهای کشاورزی فله‌ای بود، به‌طور حتم انصاف رعایت نمی‌شد، گاه قیمت سردرختی‌های یک باغ در بازار فروش چندین برابر قیمت خرید سود به وجود می‌آورد این سود معمولاً عاید خریدار می‌شد و باغدار در حسرت آنچه از دست داده، نیش انتقادات را متوجه دلال می‌کرد. رحیم نبوی که زمانی دلالی باغدارها را انجام می‌داد می‌گوید: آنچه که عاید ما می‌شد، حق دلالی بود، یک چیزی از خریدار و یک چیزی از فروشنده می‌گرفتیم ولی حرف من همیشه این بوده که آیا فروشنده را من مجبور می‌کردم یا نیازی که به پول داشته‌ام گاه خریدار هم به دلایل مختلف فاصله زمان معامله و برداشت سردرختی‌ها و صدمه‌ای که متوجه سردرختی می‌شود، تقوین و تقوین را سر من خالی می‌کرد، بعضی حوادث را نمی‌شود پیش‌بینی کرد، باغ مرکباتی را در بهمن ماه معامله کردیم، من واسطه بودم، برف سنگینی در اسفند ماه آمد و سرمای فوق‌العاده سردرختی‌ها را ضایع کرد، خریدار زیان کرد و مثل هر زیان دیده‌ای دنبال مقصر می‌گشت و مقصر دم دستی او من بودم.

دلال‌های سنتی فعال‌اند!

عامه مردم عموماً واسطه‌های اجاره و فروش مسکن را دلال می‌شناسند، اما گشتی در بازار داد و ستد، ما را با انواع دلال‌ها آشنا می‌کند، دلال‌هایی که سرپایی کار می‌کنند یعنی از حجره‌ای به حجره دیگر، از پاساژی به پاساژی دیگر و از شهری به شهر دیگر می‌روند، اگر کمی دقیق شویم خواهیم دید اکثر تولیدکنندگان به وقت نیاز به یک یا چند قلم جنس سراغ دلال می‌روند. دلال کسی است که در راسته کار خود اطلاعات دارد، او می‌داند کالای فلان فروشنده به درد کدام تولیدکننده می‌خورد، کار او گشت زنی است، البته این شیوه سنتی است، امروزه که تلفن‌های همراه و اینترنت و روزنامه‌ها کار ارتباط را انجام می‌دهند شاید دیگر نیازی به وجود دلال نباشد اما حسین فرجی چیز دیگری به ما می‌گوید: همین حالا با وجود همه این وسایل ارتباطی که شما به آن اشاره کردید باز هم، دلال‌های باتجربه و تخصصی مشکلات تولیدکنندگان را حل می‌کنند، در بازار یا در میادین و تقریباً می‌توانم بگویم در تمام زمینه‌ها دلال‌های سنتی مشغول به کارند، یک دلیلش این است که فروشنده نمی‌خواهد کالایش را علنی عرضه کند، به نظر او با این روش سر مال می‌خورد و قیمت می‌شکند، خریدار هم همین است شرایط بخواهد، و این ما دلال‌ها هستیم که مشکل شان را حل می‌کنیم، یک گشتی در بازار بزیند یا به میادین میوه و تره بار بروید، متوجه عرایض بنده می‌شوید.

تخصص دلالی

حرفه دلالی را، بعضی‌ها حرفه‌ای راحت و بنگاه‌های معاملات را تنبل خانه می‌دانند و کسی که از بابت واسطه‌گری، پولی به دست می‌آورد آن را پول بادآورده می‌دانند و اگر ساده‌انگارانه نگاه کنیم ظواهر امر همچنین می‌گوید اما شکر... صحراگرد چیز دیگری می‌گوید: متأسفانه دلالی در جامعه ما شغل سبک و ساده‌ای به نظر می‌آید و همه از سودآوری آن حرف می‌زنند، حتی بعضی‌ها بدون ملاحظه این حرفه را نمان مفت خوری می‌دانند اما من به شما می‌گویم این شغل هم مصیبت‌های خودش را دارد، اولاً دلالی یک حرفه تخصصی است، تجربه و آموزش لازم دارد، علاوه بر همه این‌ها کسی که وارد این شغل می‌شود باید بسیار با هوش و خوش حافظه باشد، فن‌بیان و قدرت تحلیل داشته باشد، باید معلومات روز او در حد عالی و بالا باشد، باید علم اقتصاد بلدان و سعی کند منفعت فروشنده، خریدار، هر دو را در

چندی پیش در ردیابی علت گرانی و یا کمبود بعضی از اقلام تولید کشاورزان، در خبرها آمده بود که ۴۰ هزار دلال در سطح میادین میوه‌و تره‌بار عامل اصلی این مشکلات شده‌اند. ولی این نخستین بار نیست که دلال‌ها متهم به اختلال در کمبودها و نگرانی‌ها می‌شوند. نگاهی به مطبوعات در روزهای بحران گرانی و کمبود، آنچه مکرر مورد هجوم قرار می‌گیرد دلال است و برای همین دلالان در کشور ما شهرت خوبی ندارند، مسبب عمده اختلال و اختلال در خرید و فروش‌ها معرفی می‌شوند و شغل

دلالی، گاه چنان زیر ذره‌بین می‌رود که گویی جز ایجاد تشنج و سودجویی‌های ظالمانه هیچ اثر تأثیرگذار دیگری ندارد. اما آیا به‌راستی چنین است و حرفه دلالی بدنام شده هیچ اثر مثبتی در داد و ستدها و روان شدن بازار و گردش صحیح و راحت چرخ اقتصادی ندارد؟ گزارش این شماره «اقتصاد سبز» را به موضوع دلالی و خوب و بدش اختصاص داده‌ایم، می‌کوشیم با بررسی همه‌جانبه موضوع تصویری واقع‌گرا از حرفه دلالی ارائه دهیم و ببینیم چرا همه خرابی کارها متوجه دلال‌ها می‌شود.

یک کسی بپرسد مگر دلال انبار دارد؟ کارخانه دارد؟ کشتی دارد؟ مگر حد اکثر یک دفتر داریم و در این دفتر حداکثر نمونه کار داریم و نمونه بسته‌بندی. اما چه کسی می‌پذیرد که دلال در گرانی روغن نقشی نداشته؟

سوءاستفاده از نیاز بازار دلال‌های هر حرفه بیش از دست‌اندرکاران دیگر بخش‌های آن حرفه از وضع بازار خبر دارند، آنها که در سال‌های اخیر موبایل‌شان بیشتر از اینجا و آنجا رفتن حضوری خودشان کار می‌کند از آخرین تحولات قیمت‌های بازار خبر دارند و همچنین از نیاز کارخانه‌ها و کارخانه دارها، آنها که در صنایع غذایی کار می‌کنند به نسبت ارتباطی که با کارخانه‌ها و باغدارها و زمین‌دارها و واردکننده‌ها و حتی بار کشتی‌های روی آب خبر دارند. البته از این اطلاعات می‌توانند سوءاستفاده کنند و یا به اصطلاح خودشان خیر برسانند.

حاج محمود به ما می‌گوید: برای کارخانه... که انواع سس تولید می‌کند من ۲۵ تن روغن خریده بودم، در جریان تغییر قیمت‌ها فروشنده دبه درآورد و به بهانه اینکه واریز پول روغن‌ها به‌موقع انجام نگرفته جنس را به کس دیگر فروخته، کارخانه به‌شدت به روغن احتیاج داشت، خط تولید و بیش از ۱۰۰ کارگر لنگ روغن بودند مدیر کارخانه مرا تحت فشار قرارداد که هر چه زودتر از جای دیگر برای او روغن گیر بیاورم، گیر آوردم ولی با قیمت جدید، فقط توانستم با هر ترفندی که می‌شد یک مقداری تخفیف بگیرم اما نتیجه کار می‌دانید چه شد؟ همان آقای مدیر کارخانه گفت دلال‌ها پسر مرا در آوردند، و فلانی (یعنی من) دست مرا توی پوست گردو گذاشت تا چند میلیون سود بیشتر ببرد.

دلال‌ها در بازار متلاطم

دلال‌ها در بازار متلاطم تغییر قیمت‌ها و کمبودها، بیشترین نقش را دارند، در این حرفه هم مثل همه حرفه‌ها، آنکه باهوش‌تر است سود بیشتری می‌برد، در این حرفه عده‌ای فقط به‌کار واسطه‌گری سرشان گرم است و عده‌ای دیگر که با سودهای آنی کلان سرمایه‌دار شدند زراندوزی می‌کنند، در این حرفه کسانی وجود دارند که با تکیه به نقدینگی و حساب بانکی‌شان سودهای بادآورده و کلان به دست می‌آورند، یعنی وقتی کالایی با قیمت مناسب گیر می‌آورد خود خریدار می‌شوند و آن معاملات انجام گرفته صورتی است، در یک معامله، خریدار یک جنس و در یک معامله دیگر فروشنده همان جنس می‌شوند. در هر ۲ معامله در ظاهر امر فقط حق دلالی می‌گیرند اما عملاً سود معامله هم به حساب بانکی‌شان واریز می‌شود، این گروه که بالاخره هم خریدار و هم فروشنده سر از کارشان در می‌آورند متهم به سوءاستفاده از شغل می‌شوند. رجب ارونقی می‌گوید: از این گروه آدم‌ها در این حرفه کم نداریم، آنها در واقع از سرمایه‌شان سود می‌برند، نمی‌دانم این درست است که بگویم دلال نباید در این قبیل معاملات سرمایه خودش را به‌کار بگیرد و حق ندارد جنسی را که در یک زمان گذشته (حتی چند ساعت) خریده به‌فروشد، در کسب و کار هدف افزایش درآمد است. همه سود می‌خواهند و دلال هم یکی از این «همه‌ها» است.

نظر بگیرد، کسی که در بازار چرم و کفش کار می‌کند نمی‌تواند در مورد پنبه و گوجه‌فرنگی و یا باغ کاهو صاحب‌نظر باشد. یک‌دلال واقعی اهمیت شغل خود را می‌داند اگر در معامله‌ای آگاهانه بفروشنده یا خریدار ضرری برسد، این ضرر به‌زودی متوجه خود او می‌شود یعنی دیگر به‌عنوان واسطه دعوت به معامله‌ای نمی‌شود و در نتیجه کارش از رونق می‌افتد. دلال خوب دلالی است که هر روز معامله‌ای انجام بدهد.

دلال رفع نیاز می‌کند

چه کسی برای خرید و فروش کالایی به دلال مراجعه می‌کند؟ این پرسش را یکی از دلال‌های جوان در آغاز گفت‌وگو با ما مطرح کرد و خود او در پاسخ چنین گفت: وقتی که نیاز داشته باشم، هیچ‌کس از روی شکم سیری به دلال مراجعه نمی‌کند، من سال‌ها در بابل دلال برنج بودم، در واقع کارم را در آن شهر شروع کردم، یکی از شالیکارهای محترم (محترم به این دلیل می‌گویم که انصاف داشت) وقتی شالی‌ها سبز می‌شد، به ما مراجعه می‌کرد و پول می‌خواست، طبیعی است که قیمت‌های شالی در مرداد ماه با قیمت برنج در بهمن ماه خیلی فرق می‌کند، من مشکل او را نمی‌دانستم، فقط می‌دیدم در آن ۵-۴ سال که در بابل بودم او به میل و رضایت خودش ۱۰ یا ۲۰ تن برنج را پیش فروش می‌کرد و خود او هم می‌دانست در این معامله ضرر می‌کند اما می‌گفت چاره‌ای ندارم، تابستان سال ۹۱ من به‌سراغش رفتم. یک مشتری پولدار داشتم که در کار خرید برنج سرمایه‌گذاری می‌کرد، پس از حال و احوال گفت دیگر فروشنده شالی نیست، نه در مرداد و نه حتی در مهر ماه، گفت مشکلتش رفع شده و دیگر هیچ‌نیازی به پیش فروش ندارد، وجدانم را گواه می‌گیرم که خیلی خوشحال شدم چون همیشه شاهد بودم در این معامله او ضرر می‌کند ولی خب از ما چه کاری برمی‌آید، یک روزگاری نیاز داشت و پیش‌فروش می‌کرد حالا نیاز ندارد و به‌موقع و به قیمت می‌فروشد، البته او به من لطف داشت و گفت در بهمن ماه پیش من حق تقدم با شما خواهد بود!

بدها بیشتر از خوب‌ها

این را دیگر همه می‌دانند که در هر شغلی آدم خوب و بد وجود دارد و دلالی هم استثنای نیست اما چرا در این شغل آنچه سر زبان مردم جامعه است، بر کار کردن، کلاه‌گذاشتن، مغیوب کردن و بزنی و در رویی دلال‌ها است؟ حاج صمد می‌گوید: من قبول دارم درباره شغل دلالی حرف و حدیث بسیار است اما در کدام شغل نیست، همین تازگی در جریان تغییر قیمت روغن نباتی خدا می‌داند چه احتکارهای کلان صورت گرفته، دم‌دست‌ترین آن سوپرمارکت‌های محله ما بودند که هرکدام چند کارتن از موجودی انبارشان را از چرخه فروش خارج کردند تا قیمت‌ها ثابت بگیرد و بیشتر بفروشند، خود من در جریان یک محموله پخش روغنی نزدیک به ۷۰ تن صورت زده بودم اما به‌محض پخش خبر افزایش قیمت، تحویل کالا متوقف شد، در همین ماجرای اخیر آیا همه کارخانه‌ها موجودی خود را به قیمت واقعی فروختند؟ در تمام این تغییر و تحولات صحبت از دست داشتن دلال‌ها بوده، دلم می‌خواهد



این حرفه، خیلی قدیمی است

در دفتر پر زرق و برق یکی از این دلال‌ها در یک مجتمع تجاری تابلوی ظریف و جمع و جور «بازرگانی انور» توجه ما را جلب می‌کند، این دفتر مجهز به تکنولوژی روز است، یعنی میز کامپیوتر تمام اطلاعات را ذخیره کرده و تلفن‌ها آن به آن و لحظه به لحظه، اطلاعات و تغییر قیمت‌ها را به وسیله اپراتور کارکشته و حرفه‌ای به اصطلاح «آپ تودیت» می‌کند. آقای انور می‌گوید: پدر من هم کارش دلالی بوده، صبح‌های زود از خانه بیرون آمده و دم دروازه می‌رفته تا دهاتی‌هایی که چند گونی برنج را از اودنگ (شالیکوبی) روی اسب یا قاطرشان بار زده بودند پیدا کند و چند بار پیش آمده بود که به علت نیاز به خرجی روزانه مرا هم همراه خود ببرد، خوب به خاطر دارم که همراه با مرد کشاورز که دهنه اسب را گرفته بود راه می‌افتاد. به بازار که می‌رسید با سوک (کاردک فلزی لوله‌ای سوراخ‌دار) مقداری از گونی برنج نمونه برمی‌داشت و در دستمال ابریشمی بزرگ آن روزها معروف به دستمال بزدی می‌ریخت و چهار گوشه دستمال را در دستش می‌گرفت و به این مغازه و آن مغازه می‌برد، مستوره (نمونه) را نشان می‌داد و معامله انجام می‌گرفت، آن روز که من همراهش بودم با فروش ۳ گونی برنج ۵ تومان دلالی نصیب او شده بود، اسکناس سبز را به من داد که بر دم یک چارک گوشت بخرم و به مادرم برسانم که برای غذای ظهر خورش درست کند.

از آن روزها به این روزها

آقای انور می‌گوید: زندگی پدرم روزمره بود، یعنی هر چه در روز در می‌آورد خرج همان روز می‌شد. مثلاً اگر روزی ۱۰ یا ۱۵ یا ۲۰ تومان درمی‌آورد همه را خرج همان روز می‌کرد. در معامله‌های روی اسب چیزی بیشتر از ۵ تومان دلالی می‌گرفت اما در معاملات روی ارابه گاه این درآمد به ۲۰ تومان هم می‌رسید. مادرم از آنجا که زنی دوراندیش بود از مازاد هزینه روزانه چیزی پس انداز می‌کرد و به زودی صاحب ۱۰۰ تومان پس‌انداز شد، از پدرم خواست هر روز که باری فروش نرفته پیش او بیآورد، خریدار است. به زودی یکی از اتاق‌های خانه‌مان پر از گونی‌های برنج شد و در آخرهای پاییز که دیگر کشاورزها باری برای فروش نمی‌آوردند و پدرم سرگرم فروش قورمه و پنیر خیکی و این چیزها بود او قیمت می‌گرفت و در اواخر بهمن و یا اوایل اسفند آن ۱۰ یا ۱۵ گونی برنج را به وسیله پدرم با قیمت روز که چیزی حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد فرق کرده بود می‌فروخت تا اتاق خالی شود و برای ایام عید در اختیار باشد، چند سال بعد که ما به تهران آمدیم و پدرم در پامنار به همان شغل دلالی ادامه داده بود من هم وارد کار شدم و درسی که از مادرم به‌طور غیرمستقیم آموخته بودم به کار گرفتم و حالا صاحب این دفتر شدم. در این دفتر به جای اسب و قاطر و گاری، کامیون و تریلی و ۱۰۰ تن و ۲۰۰ تن و ۳۰۰ تن خرید و فروش می‌شود، من هم مثل پدرم شغلم دلالی است ولی گاهی خریدار می‌شوم و گاهی فروشنده، زالو نیستم و خون کسی را هم نمی‌مکم!

انواع دلالی و آداب دلالی

دلالی را می‌توان یکی از قدیمی‌ترین حرفه‌های تجارت دانست، در دوران قدیم به چند قلم کالای اساسی و روزمره و بیشتر به خرید و فروش و اجاره املاک و زمین اختصاص داشت اما اگر کمی دقت کنیم و سری به آگهی‌های روزنامه‌ها و مخصوصاً ویژه نامه هر روزه روزنامه همشهری بزنیم می‌بینیم که چنان گسترده و دامنه‌اش وسیع شده که در هر جریانی سر و کله دلال پیدا می‌شود. در همین یکی دو هفته اول اردیبهشت در مطبوعات و رسانه‌ها جزییاتی درباره دلالی فوتبال، دلالی در رابطه با آمریکا، به دلالی فروش کلیه، دلالی برای جمع‌آوری امضا در مجلس، افزایش دلالی در شرکت نفت و خرید و فروش فرآورده‌های نفتی، دلالی در نقش دادن هنرپیشه‌ها در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی و تبانی در دلالی که بخش مفلسه‌انگیز این حرفه است؛ و جالب اینکه در هیچ یک از این بخش‌ها از دلالی به نیکی یاد نمی‌شود، دلال‌های پزشکی و عمل جراحی را کاری کثیف می‌دانند، بعضی از جراحان در بیمارستانی که کار می‌کنند دلال دارند. دکتر شکوهی با لبخندی معنی‌دار گفت: در بخش اورژانس و پذیرش بعضی از افراد برای ما جراحان دلالی می‌کنند و مریض را به نام ما می‌زنند، جراحی پر درآمد و پرسود است معمولاً به آن کس که مریض را به ما معرفی می‌کند و یا به من پاس می‌دهد یک چیزی به عنوان شیرینی می‌گیرد، در واقع همان حق معامله و حق دلالی است.

دقیقه نودی‌ها دلال می‌خواهند

هر کس در هر حرفه و تجارتي اگر کارش به دقیقه ۹۰ برسد به دلال نیاز دارد معمولاً تولیدکنندگان صنایع غذایی برنامه تأمین مواد اولیه دارند، تقریباً در همه کارهای تولید این برنامه‌ریزی دقیق و اساسی انجام می‌گیرد، کسی که کارخانه سازدین دارد باید بداند چه مقدار ماهی باید بخرد و در خط تولید قرار دهد ولی کم نیستند «تن ماهی» سازان که با کمک دلال و سر تور و یا داخل لنج ماهی می‌خرند. اگر کمی انصاف داشته باشیم متوجه می‌شویم پای دلال وقتی باز می‌شود که برنامه تولید خوب و دقیق نوشته نشده باشد، در هر حرفه تولیدی مخصوصاً در صنایع غذایی مسئله فصل برداشت کشاورزان اهمیت دارد، تولیدکننده رب گوجه‌فرنگی اگر نداند چه زمانی زمین‌های جیرفت و یا ورامین و کرج و کرمانشاه کار برداشت تمام می‌شود کلاهش پس معرکه است، رحیم متقی می‌گوید:

مدیر یک کارخانه تولید رب گوجه‌فرنگی باید بداند باری که از زمین‌های جیرفت به کارخانه‌اش در هشتگرد می‌رسد با باری که از زمین‌های قزوین خریداری می‌شود هزینه‌های سرباری دارد، مدیر یکی از این کارخانه‌ها که به خاطر کمبود نقدینگی نتوانسته بود به موقع خرید کند با التماس از من می‌خواست ۳۰۰ تن گوجه‌فرنگی با هر قیمتی شده وارد کارخانه‌اش بکنیم، من این مقدار را از بندرعباس وارد کردم، طبیعی است قیمت فرق داشت و مشکل تأمین مواد اولیه از خود او بود، اما وقتی می‌خواست چک را امضا کند به من گفت امان از دست شما زلوه‌های دلال....

مجلس برای دلالی قانون گذاشت

اشاره کردیم به قدیمی بودن شغل دلالی در تاریخ زندگی بشر و کسب و کار، اما قدیمی‌ترین قانون که درباره حرفه دلالی در ایران سراغ داریم مصوبه روز هفتم اسفند ماه سال ۱۳۱۷ در مجلس شورای ملی است که لازم‌الاجرا شده بود. در این قانون چنین آمده است:

ماده (۱) تصدی به هر نوع دلالی منوط به داشتن پروانه است.

ماده (۲) پروانه دلالی با رعایت احتیاجات محلی فقط به اشخاصی داده می‌شود که دارای شرایط زیر باشند:

۱. داشتن ۲۵ سال تمام و انجام خدمت وظیفه سربازی یا داشتن معافیت یا کارت آماده به خدمت.
۲. تابعیت ایران.
۳. داشتن گواهینامه ششم ابتدایی و یا دادن امتحان برابر آن.
۴. دانستن اطلاعات فنی مناسب با اموری که عهده‌دار دلالی آن باشد.
۵. عدم شهرت به کار نادرست.
۶. نداشتن محکومیت به ارتکاب جنایت و ورشکستگی به تقصیر و کلاهبرداری و خیانت در امانت و سرقت و گواهی مقامی که وزارت دادگستری تعیین می‌کند.
۷. دادن وجه‌الضمان یا ضمانت‌نامه یا وثیقه مطابق ماده ۳.

* تبصره: کسانی که قبل از تصویب این قانون به این شغل اشتغال داشتند باید متعهد شوند که ظرف دو سال گواهینامه امتحانات نهایی سالمندان را بیآورند و الا پروانه آنها تجدید نخواهد شد و...

کلاس سرمایه‌دارهای دلال

معامله‌ای در یک ساعت به امضای چک می‌رسد و در این معامله دلال ممکن است بین یک تا ۳۰۰ میلیون تومان حق دلالی بگیرد، این درآمد در ظاهر امر قابل مقایسه با درآمدهای هیچ شغل دیگری نیست، مثلاً دستمزد جراحان مشهور با تحمل استرس‌های ویژه اتاق عمل مطابق شنیده‌های ما از چند بیمارستان مشهور به چیزی حدود ۲۵ میلیون تومان می‌رسد، آیا می‌شود این دو مورد را با هم مقایسه کرد، آیا نباید گفت دلال پول مفت گرفته و شغل دلالی درآمدزاترین شغل‌هاست؟

مهندس صبوری می‌گوید: درست است که زمان نهایی انجام یک معامله در یک ساعت محدود است اما این ساده‌نگری است اگر آن را تعمیم بدهیم به کل این شغل، برای شما مثالی بزنم همین مجله «اقتصاد سبز» وقتی به دست من می‌رسد ممکن است در مدت یک ساعت مطالب مورد نظر را در آن بخوانم ولی این حاصل کار یک گروه از نویسنده، مترجم، حرف‌چین، صفحه‌بند، طراح، عکاس، سردبیر و... است، همین سردبیر شما چند سال درس خوانده تا تیتیر مهندسی گرفته، یا چند سال کار کرده تا توانسته به مقام سردبیری برسد، تیم مجله شما هر روز چند ساعت کار کرده تا مجله چاپ و از صحافی بیرون آمده و به دست من رسیده؟ در حرفه دلالی هم همین مسائل وجود دارد، دلال‌هایی در این شغل ده‌ها سال کار کردند و کل زندگی شان به ۳۰۰ میلیون تومان نمی‌رسد.

علمی و ریشه‌ای نگاه کنیم

مهندس حسین صبوری با ذکر مثالی مسئله را چنین می‌شکافد: در دهه ۴۰ یک بنگاه معاملاتی در خیابان ۳۰ متری نرسیده به میدان ۲۴ اسفند (میدان انقلاب امروز) که روی زمین‌های گیشا (کوی نصر امروز) انجام می‌داده، در این بنگاه ۳ نفر کار می‌کردند، با هم شریک بودند، هر ۳ نفر هم اتومبیل داشتند، لباس شیک می‌پوشیدند و کراوات می‌زدند، به حساب آن روزها کلاس بالا بودند، آنها در جریان خرید کردن زمین‌های این منطقه و بساز بفروشی‌ها، پول خوبی می‌گرفتند. یکی از آن ۳ نفر حواسش را جمع کرده و ترقی این منطقه را محاسبه کرده بود، او از بابت حق دلالی خودش در ۱۷ معامله چند قطعه زمین گرفت، بعدها این زمین‌ها را تبدیل به مجتمع

مسکونی کرد، ثروت امروز او را به چیزی حدود ۵۰ میلیارد تومان تخمین زده‌اند.

به موقع به کاریم و به موقع درو کنیم

در جمع‌بندی حاصل کار همکاران گروه گزارش در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که آن «به موقع به کاریم و به موقع درو کنیم» در حرفه دلالی صدق پیدا می‌کند، دلالی کاری است پرسود و پردرآمد، در این شغل عده‌ای «نامبر وان» وجود دارد و عده‌ای ورشکسته به تقصیر، عده‌ای درست و صحیح کار می‌کنند عده‌ای با تقلب، رایج‌ترین تقلب در حرفه دلالی که سبب بدنامی دلال‌ها می‌شود تبانی است، دلال‌های خوب و خوشنام عمل تبانی را دور از شرف و لیاقت دلال می‌دانند، دلال‌های کارخانه دار داریم که نان حلال خوردند، دلال‌های کارخانه دار داریم که با تبانی به این ثروت رسیدند، دلال‌های موفق و ناموفق هم کم نیستند، مثل دلالی که در کوچه «مسافرخانه شجاعی نو» خیابان چراغ برق بیش از ۵۰ سال است که کارش دلالی است ولی هنوز هم در سطح محدود کار معامله را به سرانجام می‌رساند و دلال‌هایی داریم که در این مدت با کار در همین مغازه پرش‌های اقتصادی کرده‌اند و در تمام مدت عمرشان روبه بالا بوده‌اند، خانم دکتر مرضیه حسینی به نکته جالبی اشاره دارد:

در هر صنعت و حرفه عده‌ای هوشمند و با استعداد خوشنامی می‌آورند، در دلالی هم افراد خوش‌نام کم نیستند، در همین تهران که اینهمه از دلال‌ها و شغل دلالی بد گفته و بد شنیده می‌شود دلال‌هایی داریم که چنان مورد اعتماد قرار دارند که تجار بزرگ نیاز خود را با آنها مطرح می‌کنند و فقط به اتکالی نظر دلال، امضا می‌کنند.

زنان دلال بیشتر شده‌اند

در عرف اجتماع ما دلالی شغل مردانه است و برای بعضی‌ها دیدن خانم‌های تحصیل کرده در دفاتر دلالی کمی تعجب‌آور و حیرت می‌آورد. اگر چه این روزها دیدن خیلی چیزها دیگر حیرتی ندارد، مهندس صبوری که در این حرفه تحصیلات عالی و مطالعات دراز مدت دارد می‌گوید: زنان از گذشته‌های دور کار دلالی می‌کرده‌اند اما همان‌طور که خیلی از مشاغل قدیمی و سنتی دیده نمی‌شد، کار آنها هم خیلی به چشم نمی‌آمد، یا درباره آن حرفی زده نمی‌شد، همان‌طور که می‌دانیم دلالی یعنی امر واسطه‌گری که در تمام رشته‌های زندگی وجود دارد، خود من به یاد دارم که در ناین پیرزنی دلالی فرش می‌کرده، او واسطه خرید بود بین تاجرهای فرش‌باف‌هایی که در کارگاه خانگی فرش می‌بافتند، مشابه کار او را سال پیش در نیاسر کاشان دیدم، او برای یک کارخانه بسته‌بندی از گلاب‌گیرهای خانگی گلاب می‌خرید، علاوه بر این‌ها یک نوع دلالی هم از گذشته‌های دور وجود داشت که خانم‌ها انجام می‌دادند، دلالی برای انتخاب همسر، کسی می‌خواست دخترش را شوهر بدهد و مسائل جهیزیه و این چیزها، یا کسی که می‌خواست برای پسرش زن بگیرد از حضور یک دلال بهره می‌گرفتند می‌شود گفت خانم‌های هوشمند و خوش حافظه‌ای که در این سال‌ها وارد شغل دلالی شدند به نسبت موضوع کار و رشته تخصصی‌شان موفق‌تر بوده‌اند.

* **نشریه شکر:** به نظر می‌رسد نکته مهمی که مغفول مانده و در مطلب فوق دیده نشده است، شرایط اقتصادی کشور و چندنرخ شدن بهای ارز است که در سایه این پدیده دلال‌های جدید و قسوی و پر قدرتی ظهور کرده‌اند. از دید ما دلالی فی‌نفسه شغل مذمومی نبوده و نیست، اما اگر این شغل با پدیده رانت‌خواری گره زده شود، ماجرا کثیف شده و سمت‌وسوی پولشویی پیدا می‌کند. دلالی اگر برای معاملاتی از نوع مشخص و خاص و تک‌کالایی باشد، وصل کردن فروشنده و مشتری است اما اگر همین دلالی و انتخاب نوع معامله، لحظه‌ای باشد مذموم و ناپسند و چه بسا مخرب است. مثلاً در چندساله اخیر افرادی ظهور کرده‌اند که به اقتضای نیاز روز بازار، کالا‌های مورد معامله خود را تعیین می‌کنند، امروز شکر، فردا روغن، روز بعد آهن، قیر، چتائی، برنج و....

این گروه با پیوندهای خاص از ارزش‌های ارزان قیمت استفاده می‌کنند و کالا‌های مورد معامله را به ریل تبدیل و در سرمایه‌گذاری دیگر مثلاً خرید و فروش یا ساخت املاک مورد استفاده قرار می‌دهند. این گروه از دلالان علاقه زیادی به جذب پول کثیف و متعاقباً شستشوی آن دارند و عملیات این‌گونه دلالان تأثیر منفی بر اقتصاد و تولید کشور به‌جا خواهد گذارد.

* **یحیی امیری**



یادآوری

سخنان دکتر روحانی
در آبان ۱۳۸۶

واردات و بلایی که بر سر شکر آمد

دکتر حسن روحانی از باسابقه‌ترین مدیران سیاسی و اعضای مجلس قانونگذاری ایران پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی است. وی که سابقه ۵ دوره نمایندگی مجلس و سال‌ها نایب رییس مجلس را دارد و نزدیک به ۲ دهه در شورای امنیت ملی عضویت داشته است در ۸ سال گذشته در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام فعال بوده است. دکتر روحانی در منصب ریاست مرکز تحقیقات استراتژیک بارها سخنرانی کرده و شرایط اقتصادی و سیاسی کشور را بازکاوی کرده است. وی در اواخر آبان ۱۳۸۶ و در نخستین جشنواره تولیدکنندگان جوان ایران سخنرانی مشروحی درباره مسائلی مختلف کرد و با بیان اینکه باید اهداف سند چشم‌انداز توسعه محقق شود به استفاده ناکارآمد از درآمد نفت در دولت نهم اشاره کرد و گفت: «متأسفانه به جای اینکه درآمد نفت موجب شود تا ما آینده بهتری را برای خود تضمین کنیم امروز نگران حجم واردات هستیم که نکتد به ۵۰ میلیارد دلار برسد. دیدید بر سر صنعت شکر در سایه دلار نفتی چه آمد؟»

شکر را در حجم باور نکردنی وارد کردیم و تمام کشتکاران ما در صنعت دچار مشکل شدند (روزنامه اعتماد، شماره ۲۲۲۳، اول آذر ۱۳۸۶). «این دیدگاه واقع‌گرایانه دکتر روحانی شاید یکی از دلایل اقبال رأی‌دهندگان ایرانی به وی بود که موجب شد ایشان در همین روزها منصب ریاست قوه مجریه را در دست گیرد. فعالان صنعتی و کشاورزی امیدوارند اداره جامعه با رویکرد معطوف به صیانت از بازار داخلی در برابر واردات دامپینگ شده خارجی همچنان نزد رییس‌جمهور منتخب پابرجا و موجب رشد و توسعه اقتصادی شود.»



انجمن صنفی کارخانجات قند و شکر ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

تلفن و نمابر: ۸۸۹۶۹۰۵۵ - ۸۸۹۶۹۹۰۳

نشانی: تهران - میدان دکتر فاطمی - خیابان

شهید گمنام - شماره ۱۴

فارس گزارش می‌دهد:



سرگردانی ۲۶ کشتی خوراک طیور روی آب

باقی ماند که آیا ارز مرجع ۱۲۲۶ به محصولاتی که قبلاً ثبت سفارش و وارد شده اختصاص می‌یابد یا خیر؟

وزارت صنعت در واکنش به شرکت‌هایی که نهاده طیور وارداتی را به بهانه بلا تکلیفی ارزی نمی‌دانند، اعلام کرد: «مابه‌التفاوت ارز ۱۲۲۶ و ۲۴۷۷ تومان را دولت به صورت یارانه پرداخت می‌کند.»

مسئولان صنعت طیور روز گذشته در یک نشست خبری به اتفاق اعلام کردند هیچ اقدام عملی برای ترخیص محموله‌های مانده در آب‌ها انجام نشده و آنچه مسئولان درباره تخصیص ارز برای ترخیص نهاده‌ها گفته‌اند

با تصمیم جدید برای تک‌نرخ شدن ارز و عدم تخصیص ارز به کالاهای وارداتی، ۲۶ کشتی خوراک طیور در آب‌های کشور سرگردانند، روزانه دمو راژ سنگینی برای آنها پرداخت می‌شود و مرغداران هم از کمبود و قیمت بالای نهاده در داخل گلایه دارند.

به دنبال تغییر ارز مرجع از ۱۲۲۶ به ۲۴۷۷ تومان و ابهام در تخصیص ارز به واردات نهاده‌های دامی، ۲۶ محموله کشتی خوراک طیور در آب‌های آزاد سرگردان و در انتظار تخصیص ارز به سر می‌برند.

بانک مرکزی دو هفته پیش ارز را تک‌نرخ و ۲۴۷۷ تومان اعلام کرد و این ابهام

رییس اتحادیه سراسری شرکت‌های تعاونی مرغداری‌های کشور گفت: گفته می‌شود در ستاد تنظیم بازار تصمیم‌گیری شده است دولت ارز مرجع ۱۲۲۶ تومان را به کالاهای اساسی تا آخر سال تخصیص دهد و دولت مابه‌التفاوت نرخ ارز را بپردازد.

رییس اتحادیه سراسری شرکت‌های تعاونی مرغداری‌های کشور افزود: خبرهایی مطرح است مبنی بر اینکه در جلسه ستاد تنظیم

اختصاص ارز ۱۲۲۶ به کالاهای اساسی تا پایان سال

دولت یارانه لازم را برای تأمین اقلام اساسی اختصاص می‌دهد، این در حالی است که واردکنندگان نهاده‌های دامی به این بهانه محصول وارداتی خود را تحویل مرغداری‌ها و دامداری‌ها نمی‌دهند.

طی روزهای اخیر قیمت یک کیلوگرم کنجاله سویا با ۳۰ درصد افزایش به ۱۴۵۰ تومان و هر کیلوگرم ذرت با ۲۵ درصد افزایش به ۹۰۰ تومان رسیده است.

بازار قرار شده است دولت تا پایان سال ارز مرجع ۱۲۲۶ تومانی را به کالاهای اساسی اختصاص دهد و مابه‌التفاوت آن را با نرخ ارز مرجع پرداخت کند.

با حذف ارز ۱۲۲۶ در قانون بودجه سال ۹۲ نرخ ارز مرجع به ۲۴۷۷ تومان افزایش و نرخ ارز مبادله‌ای حذف شد، در عین حال رییس کل بانک مرکز اعلام کرد نگرانی بابت تأمین و قیمت کالاهای اساسی وجود ندارد و

دولت نهم و دهم

ستاد تدابیر ویژه اقتصادی چه ماهیتی دارد

نگرفته است. اما ستاد تدابیر ویژه اقتصادی در شرایط و موقعیتی که سبب‌زمینی کاران ایران می‌توانستند با صادرات این محصول درآمد ارزی برای کشور ایجاد کنند تأکید کرده است که ۷۰ درصد عوارض بر صادرات سبب‌زمینی وضع شود تا صادرات غیراقتصادی شود. به‌واقع تولیدکنندگان سردرگم هستند که چه کنند؟! روزها و سال‌هایی بود که شکر، سبب‌زمینی، پیاز و... بر روی دست تولیدکنندگان مانده بود و هیچ‌کس به فریاد آنها نمی‌رسید. حال که شرایط اقتصادی ایجاد کرده تا تولیدکنندگان بتوانند کالای خود را چه از راه صادرات و چه از راه داخلی به فروش رسانند و به منفعت قابل قبولی دست یابند با برقراری عوارض و بخشنامه‌های پی‌درپی مانع از این کار می‌شوند. پرسش این است که این ستاد تدابیر ویژه اقتصادی آیا در جایگاهی بالاتر از قانون قرار دارد؟

از این موضوع نیز در مسیر خواسته‌های خود بهره‌برداری کرد.

این دولت با ایجاد نهادی به نام «ستاد تدابیر ویژه اقتصادی» فعالیت‌هایی را برای تنظیم بازار در دستور کار قرار داد که پیامدهای آن باید بازکاوی شود. پرسش این است که اعضای این ستاد تدابیر ویژه اقتصادی چه افراد حقیقی و حقوقی هستند و شرح وظایف این ستاد چیست؟ اختیارات و وظایف این نهاد توسط کدام مرجع تعیین شده و حد و اندازه آن تا کجاست؟ ستاد تدابیر ویژه اقتصادی در همین هفته‌های اخیر چند تصمیم گرفته است که هر کدام از آنها در نوع خود جای بحث و گفت‌وگو دارد. به‌طور مثال در حالی که اخذ ۴ درصد حق ورود کالاها و خدمات خارج از اختیارات دولت است و توسط مجلس تصویب می‌شود، این ستاد آن را به ۲ درصد کاهش داده و باز برخلاف قانون سود بازرگانی هم در نظر

رییس دولت‌های نهم و دهم دیدگاه و رفتار ویژه‌ای در حوزه کسب‌وکار و معیشت مردم ایران داشت. وی گونه‌ای رفتار می‌کرد که می‌توان گفت از نظر وی هدف وسیله را توجیه می‌کرد.

رییس دولت‌های نهم و دهم تصور می‌کرد با توجه به قدرت سیاسی که نهاد دولت مطابق قانون در اختیارش گذاشته است می‌تواند به متغیرهای اقتصادی فرمان دهد که چگونه عمل کنند. به‌طور مثال وی در سال‌های نخست ریاست خود بدون توجه به پیامدهای کاهش ناگهانی نرخ تعرفه واردات شکر دستور کاهش از ۱۵۰ و ۱۳۰ درصد به صفر را تأیید کرد.

این گونه بود که شکر ایران در آستانه حذف قرار گرفت و تنها با پایمردی خانواده بزرگ صنعت قند پایدار ماند. دولت دهم پس از اینکه با تشدید تحریم‌ها مواجه شد